



# مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات جلسه بعد از ظهر روز سه شنبه (۳۰) آبان ماه ۱۳۵۷ شمسی

- فهرست مطالب:
- ۱- قرائت اساسی غائبین جلسه قبل.
  - ۲- دنباله بحث و بررسی راجع به برنامه دولت تیمسار ارتشبد غلامرضا ازهاری.
  - ۳- تقدیم تذکر به دولت راجع به تیراندازی در
  - صحن حرم حضرت امام رضا (ع) بوسیله آقای عباس اخباری.
  - ۴- تقدیم تذکر به دولت راجع به تیراندازی در صحن حرم حضرت امام رضا (ع) بوسیله آقای محمد شهرستانی.
  - ۵- اعلام دستوروتعین موقع جلسه آینده- پایان جلسه.

جلسه ساعت سه بعد از ظهر برباست آقای دکتر جواد سعید تشکیل شد

- ۱- قرائت اساسی غائبین جلسه قبل.
- رئیس - اساسی غائبین جلسه قبل قرائت میشود. (بشرح زیر خوانده شد)
- آقایان: دکتر ابوالهدی- اردلان- الداغی- دکتر برومند- بزرگ زادم- دکتر بقائی- یزشکی- حیدری- رضوانی- ساگینیان- سید کللال- سیدی- صحرائی- صفری پور- طباطبائی- فلاح مقدم- کیوان- مافی- ریاضی- توتونچیان- جعفر بای و خانم زاهدی.
- ۲- دنباله بحث و بررسی راجع به برنامه دولت تیمسار ارتشبد غلامرضا ازهاری.
- رئیس- ادامه بحث درباره برنامه دولت را شروع می کنیم آقای اسحق نژاد بفرمائید.
- محمد حسین اسحق نژاد - جناب آقای رئیس در امر آموزش و پرورش در جلسه قبل صحبت می کردم حالا لازم می دانم در امر ورزش مطالبی بعرض برسانم تیمسار ارتشبد ازهاری، ورزش را برای جوانان امر لازمی نمیدانید؟
- نخست وزیر - چرا.
- اسحق نژاد - بنائید در امر ورزش و یک کاسه کردن امر ورزش بکشیم چون اگر از پایه اصلی ورزش که همانا آموزش و پرورش است بررسی کنیم آنوقت متوجه خواهیم شد که مسئولین ورزش این مملکت اصلاً به آن توجه نداشته و ندارند.
- فقط کسانی که در امر ورزش مسئولیت قبول کرده اند در مرکز (تهران) بفکر یکی-دوتا استادبومیهای بنام هستند و بابه اسب دوانی مشغولند آیا ورزش مملکت که تنها پناه گاه سالم سازی جوانان این مرز و بوم است باید از چنین وضعی برخوردار باشد؟ آیا وقتیکه مسئول ورزش هفته ای سه روز آنهم بعد از ظهرها میتواند در دفتر کارش حضور پیدا کند انتظار دارید معجزه بکند و ورزش این مملکت رانجات بدهد؟ به نظرم در امر ورزش یکناخانه تکانی اساسی لازمست و به کسانی باید مسئولیت داد که وقت رسیدگی و فرصت بازدید از استانها و بخشها و روستاها راداشته باشد تا جوانان این مملکت بتوانند محلهای مناسبی برای ورزش

داشته باشند امروز اکثر استانها و بخش ها و روستاها از لحاظ نبودن محل تمرین و یا وسایل اولیه می‌لنگند و همیشه شکوائیه‌های متعددی باین متعکس می‌کنند ولی چه کسی باید به این خواسته ها توجه کند و به حرف حسابی جوانان جواب بدهد من سراغ ندارم چون هر تقاضایی که به مسئولین ورزش منعکس کرده‌ام یا بمن وعده وعید داده‌اند و یا اینکه اصلاً گفته‌اند به استان مربوطه مربوط است و وقتی با مسئولان ورزش آنان مسئله را مطرح می‌کنیم می‌گویند که بودجه ورزش مادروضعی قرارداد که نمی‌توانم به آنها برسم.

امروز ما فاقه دریان کلاس دیده ورزش هستیم و اگر چنانچه درین دریان ما کلاسهای نیرزیده باشند خیلی کمتر است و این مسئله تقصیر دریان نیست بلکه مسئولین اجرائی هستند که باید به آنها سالانه در کلاسهای آموزشی با تکنیک جدید آموزش بدهند و اگر امروز ما مربی ورزش کمتر از آن مورد نیاز را داریم باقیمانده باز مجدداً تقصیر آن مربوط خواهد شد به مسئولین اجرائی ورزش. اگر امروز ما برای دستمزد دریان نگاه کنیم متوجه خواهیم شد که فقط دریان بخاطر علاقمندی به رشته مورد نظر خود و علاقمندی به همین خود تلاش میکنند و آن دستمزد دریافتی در بعضی جاها بعد کرایه ایاب و ذهاب هم نمیشود. بگذریم از اینها گفتنی‌ها زیاد است انشاء الله چنانچه فرصتی باشد به موقع خواهیم گفت.

**چند نفر از نمایندگان** - الان هم عیبی ندارد.

**اسحقی نژاد** - چرا وقت محدود است اگر امروز ما به مسئله دانشگاهی توجه کنیم که یک امر حیاتی یعنی هسته مرکزی رشد اجتماعی - سیاسی - اقتصادی و فرهنگی و تکنولوژی و کشاورزی به خصوص رشد فکری طبقات مختلف و همچنین تعیین کننده سیاستهای اجتماعی از قبیل کشاورزی - و رشد صنعت و یا در امر آموزش فرزندان این مملکت در امور مذهبی و سایر قسمت ها لازمست به لایحه‌ای که دولت گذشته تقدیم مجلس سنا کرد و با آن وضع جواب‌هایی که کارشناسان دانشگاهی و استادان دانشگاهی و علاقمندان اعلام کرده‌اند و در رسانه‌های گروهی نیز به اطلاع همگان رسید، بی‌اثربودن و بدرد دل دانشگاهیان و گفتار آنان رسیدگی کنیم اگر بحق می‌گویند جواب مثبت بدهیم، بی‌اثربودن دل کشاورزان این مملکت رسیدگی کنید و ببینید که با چه نوع گرفتاریهایی روبرو هستند، البته اگر امروز راه‌های روستائی صحبت نمی‌کنم اگر در

مورد راه آسفالت صحبت نمی‌کنم و یا اگر در این جلسه در مورد قرق چراگاههای کشاورزان صحبت نمی‌کنم یا مرتع سخن بمان نمی‌آورم اگر امروز در مورد آب و برق و آب‌بها سخن نمی‌گویم اگر در مورد تلفن و پست و تلگراف صحبت نمی‌کنم اگر امروز در امر کشاورزی صحبت نمی‌کنم که چه کسانی وضع کشاورزی را به این روز انداخته‌اند. اگر در مورد کسانی که با گزارش های خلاف مملکت را به این روز کشانیدند صحبت نمی‌کنم و یا اگر در امر اطاق اصناف که همه ملت ایران را ناراحت کرده صحبت نمی‌کنم.

**قاسم زاده** - در مراحل اطاق اصناف باید منحل شود **اسحقی نژاد** - اگر در امر کارگران خارجی بحث نمی‌کنم که چرا در ایران اینقدر بکارگران خارجی اجازه کار داده‌اند اگر در مورد شرکت و اوای و یا در مورد خانه‌های گسترش کارگری صحبت نمی‌کنم و یا نمی‌گویم مسئولین چه کسانی هستند اگر از بیکار با بی‌سواد و آماران صحبت نمی‌کنم اگر از کارخانجاتی که مونتاژ می‌نمایند سخن بمان نمی‌آورم و نمی‌گویم که در مدت سال باید به خود کفائی برسند و بعضی از آنها حتی سه بار شکل مونتاژ را عوض کرده‌اند مثل شورت ایران. اینها همه دلیلش بخاطر خودداری از اطاله کلام است که نمی‌گویم و اما بحران و نابسامانیهای موجود در امور آموزشی و پژوهشی دانشگاهها و نقش مهم این بحران در تحولات اخیر کشور بر هیچ صاحب نظری پوشیده نیست، دولت سابق نیز با درک این مطلب «بقول خودشان» سامان بخشی به ساختمان از هم گسیخته این کانون علمی را یکی از فصول مهم برنامه خود قرار داده و لایحه استقلال دانشگاهها را تدوین و به مجلس سنا تقدیم کرد. همانطوریکه شاهد بودیم این لایحه برخلاف آنچه که تصور میشد با مخالفت شدید استادان، دانشیاران و استادیاران دانشگاهها و مؤسسات علمی سراسر کشور روبرو شد و هر چه از طرف تمام این دانشگاهها و مؤسسات عالی استرداد آن از مجلس سنا خواسته شد.

به نظر اکثریت اعضای هیئت علمی، علت اصلی بحران آموزشی موجود، عدم مدیریت سالم و صحیح در سطوح مختلف مؤسسات عالی علمی است، که خودناشی از بی‌توجهی مقامات مسئول وزارت علوم و آموزش عالی به استقلال واقعی این مؤسسات و نادیده انگاشتن نقش اساسی و سازنده اعضای هیئت علمی از سوی این مقامات

است، لایحه استقلال دانشگاهها که اخیراً توسط وزیر علوم و آموزش عالی به مجلس سنا تقدیم شده نشانه‌ای از این بی‌توجهی است.

به نظر اکثر دانشگاهیان، بهره‌گیری مطلوب از فعالیتهای مؤسسات عالی علمی ایجاب میکند که تمام اعضای هیئت علمی با آگاهی کامل در تعیین سیاستهای وزارتخانه مربوط به خود بطور عام و مؤسسه عالی علمی خود بطور اخص مشارکت واقعی داشته باشند، تنها در اینصورت است که قوانین وضع شده از سوی وزارت علوم و آموزش عالی و هر مرجع دانشگاهی دیگر بانقائص کمتری همراه بوده و ضمانت اجرائی خواهد داشت.

آنچه مسلم است در تدوین «لایحه استقلال دانشگاهها» از نیروی عظیم و خلاق هیئت علمی استفاده نشده و حتی از آنان نظرخواهی نیز نگردیده است. هم چنین، مطابق این لایحه اکثریت اعضای هیئت علمی مؤسسات عالی علمی از شرکت در مراجع مهم تصمیم‌گیری مؤسسه محروم شده‌اند. محافل دانشگاهی می‌گویند در حالیکه از استقلال دانشگاه و مؤسسات عالی آموزشی سخن می‌رود، عملاً در طریق خلاف آن در راه به بند کشیدن هر چه بیشتر اختیارات دانشگاهها و مؤسسات عالی، در راه افزایش نفوذ محافل اداری و سیاسی مملکت در امور دانشگاهها اقدام میشود و بی‌ایمانی تهیه کنندگان آن به اصول آزادی و آزاد پندی در مدیریت دانشگاهها، هم چنین اعتقاد به نظام دیوانسالاری و وزارت خانه‌ای برای تحکم هر چه بیشتر بسه دانشگاهیان در لابلای خطوط این لایحه سخت چشمگیر است، مواد این لایحه گویای این واقعیتهای ناخوش و ناگوار است: طبق ماده چهار لایحه استقلال دانشگاهها، ترکیب هیئت امنای هر مؤسسه عالی علمی بصورت زیر آمده است: پنج نفر از شخصیت‌های مختلف مملکتی به انتخاب وزیر علوم و آموزش عالی - پنج نفر از استادان و دانشیاران رسمی همان مؤسسه و یک نفر نماینده کارکنان رسمی اداری مؤسسه آموزش عالی.

ولی برخلاف آنچه که در آغاز این ماده آمده است هیئت امناء هر مؤسسه عالی علمی مرکب از یازده نفر نبوده بلکه با توجه به تبصره ۲ از همین ماده، مرکب از چهارده نفر است که سه نفر دیگر آن عبارتند از وزیر آموزش عالی یا معاون وی - دبیر کل شورای مرکزی و استاندار محل. همانطوریکه ملاحظه میشود از میان

چهارده نفر عضو هیئت امناء ممکن است فقط حد اکثر پنج نفر نماینده منتخب اعضای علمی آن مؤسسه باشند و روشن است با چنین ترکیبی از هیئت امناء نمایندگان اعضای هیئت علمی به هر حال در اقلیت بوده و عملاً قدرت تصمیم‌گیری نخواهند داشت. مهمتر از همه، با یک نگاه ساده و زودگذر به نحوه انتخاب پنج نفر نماینده منتخب اعضای علمی نشان می‌دهد که چگونه سعی شده است که عملاً کار انتخاب اکثریت اعضای هیئت امناء در دست وزیر علوم و آموزش عالی باشد. در ماده پنج این لایحه آمده است که بعد نصاب لازم برای انتخاب هر یک نفر عضو هیئت علمی جهت عضویت هیئت امناء وجود حداقل پنج نفر عضو واجد شرایط در همان مؤسسه عالی علمی است و در صورت کمبود تعداد اعضا واجد شرایط در بند «ب» (استاد - دانشیار رسمی) به نسبت کمبود تعداد اعضای موضوع بند «الف» یعنی منتخبین وزیر علوم و آموزش عالی افزایش می‌یابد و عبارت دیگر: الف - در هر دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی حداقل پنج نفر از جانب وزیر علوم تعیین می‌شوند.

ب - استادیاران و مربیان که معمولاً اکثریت اعضای هیئت علمی دانشگاهها و مؤسسات عالی را تشکیل می‌دهند. دارای هیچگونه نقشی نبوده و در این لایحه که جلب مشارکت آنها در مدیریت دانشگاهها فلسفه اصلی و اساسی این لایحه خوانده شده هیچ محلی ندارند. ج - به عبارت دیگر در هر مؤسسه عالی علمی حداقل ۲۰ نفر استاد، دانشیار رسمی باید وجود داشته باشد تا بتواند نفر موضوع بندب ماده چهار را معرفی نمود و حال آنکه همه میدانند در بسیاری از مؤسسات آموزش عالی مملکت ما چنین تعدادی استاد و دانشیار وجود ندارد، در نتیجه به بیانی ساده در هیئت امنای هر مؤسسه عالی حداقل پنج نفر عضو هیئت علمی آن مؤسسه و حداقل صفر نفر از چهارده نفر شرکت دارند و در اینحال سیزده نفر از چهارده نفر اعضای هیئت امناء متشکل از وزیر علوم، معاون وی و منتخبین ایشان و استاندار محل خواهند بود و فقط اسم استقلال برای دانشگاهها خواهند ماند.

سواى مسئله چگونگی تشکیل هیئت امناء این ایرادی که در این لایحه باصطلاح استقلال دانشگاهی دیده میشود ترکیب ماده دوازدهم آن است، طبق این ماده رئیس هر مؤسسه عالی علمی از طریق انتصابات دو مرحله‌ای توسط هیئت امنای آن مؤسسه به وزیر علوم و

آموزش عالی پیشنهاد میشود، بحث اینجاست که از کدام هیئت اثناء صحبت در میان است؟ هیئت امنائی که سواى وزیر علوم و آموزش عالی یا معاون او، اکثریت مطلق آنهم در دست وزیر علوم و آموزش عالی است؟ درحقیقت این دونفر کاندیدای ریاست مؤسسه عالی از طرف خود وزیر علوم و آموزش عالی تعیین و بخود او نیز پیشنهاد میشود. و حال این رئیس دانشگاه که طبق ماده ۱۳ این لایحه برای اداره امور مؤسسه عالی خود صاحب اختیار کامل است. مطابق مفاد همین ماده و مواد دیگر این لایحه اختیار تام وی فقط نسبت به اعضای کادر علمی و دانشجویان خواهد شد و الا در برابر هیئت امناء و برگزینندگان این هیئت اختیاری نخواهد داشت چرا که خود منتخب آنها است و با احتمال قوی دست نشانده آنها هم خواهد بود. مهمتر از آن اینکه هیئت امناء اجباری ندارد که رئیس هر دانشگاه را از میان کادر علمی همان دانشگاه انتخاب کنند و می توانند او را از خارج آن دانشگاه برگزینند و با احتمال قوی در بسیاری موارد همین کار را هم خواهند کرد. این روش علاوه بر اینکه با اصل استقلال دانشگاهها مبین است موجب تفرقه و دوگانگی میان کادر علمی دانشگاه و رئیس آن نیز میشود. در گذشته نیز یکی از علل ضعف مدیریت این مؤسسات و نیز عدم امکان همکاری رؤسای انتصابی هیئت علمی همین بوده و در صورت تصویب این لایحه در آینده نیز چنین خواهد بود.

با ملاحظه بمطالب فوق معلوم میگردد که در نحوه ترکیب اعضاء هیئت علمی که اکثریت اعضاء هیئت امنای دانشگاهها را منتخبین وزیر علوم و آموزش عالی تشکیل میدهند تمام کارها و تصمیمات گرفته شده در این هیئتها در کنترل ایشان خواهد بود. ولی تنظیم کنندگان این لایحه احتیاط لازم را از دست نداده و به تشکیل سازمان کنترل دیگری بنام شورای مرکزی دانشگاهها توجه می کنند که مصوبات الک شده دانشگاهها را مورد تصفیه دیگری قرار دهند. برخلاف آنچه عنوان شده در ماده شش نیز آمده است هیئت علمی بالاترین مرجع تصمیم گیری آن مؤسسه نیست بلکه با اختیاراتی که در موارد زیادی به شورای مرکزی داده شده است تصمیمات این شورا برای هیئت امناء لازم الاجراست، نظریات اینکه اعضاء این شورا (چه بطور مستقیم و چه بطور غیر مستقیم) از سوی وزیر علوم و آموزش عالی انتصاب میشوند ریاست این نیز بعهده ایشان واگذار شده است، روشن است که منظور اصلی

تنظیم کنندگان این لایحه دادن اختیار تام به وزیر علوم و آموزش عالی بوده است نه دادن استقلال به دانشگاهها. بالاخره در این لایحه عضویت نماینده دانشجویان در مراجع تصمیم گیری بکلی فراموش شده است. روشن است که اگر شورای عالی هر مؤسسه عالی علمی بنابه خواسته های منطقی اکثریت اعضاء هیئت علمی و به حق بالاترین مرجع تصمیم گیری آن مؤسسه باشد، عضویت نماینده دانشجویان در این شورا ضروری خواهد بود، زیرا در این صورت تعداد زیادی از مسائل دانشگاهی که تا کنون ناشی از نادیده گرفتن خواسته های منطقی و اصولی دانشجویان از سوی مقامات و مراجع عالی آموزشی بوده است، قابل حل خواهد بود. نقاط ضعف لایحه بسیار است و در بالا تنها به تعدادی از آنها اشاره شد، با توجه باین چند نکته ملاحظه می فرمائید که منظور از طرح باصطلاح استقلال دانشگاهها و صحبت درباره آن از سوی مقامات وزارت علوم و آموزش عالی با چنین آب و تاب جز تحریف مفهوم «استقلال دانشگاهها» چیز دیگری نیست.

بحران آموزش عالی کشور، بخصوص در سالهای اخیر اکثراً از دخالت های بی مورد وزارت علوم و آموزش عالی در امور مؤسسات عالی و از عدم توانائی آن وزارتخانه در اداره این مؤسسات ناشی شده است.

و اما مسئله بهین جا ختم نمیشود، مسئله اساسی و بسیار بنیادی تر و ریشه دارتر از آن است که بتوان تنها با یک لایحه، هر چند که بفرض، خوب هم تنظیم شده باشد، مشکلات دانشگاههای کشور را حل نمود. بگذارید موضوع را بصورت ساده ای طرح کنیم، برای یک لحظه فرض کنیم که با کمک همه نظرات دانشگاهیان لایحه ای ایده آل تنظیم گردد که استقلال دانشگاهها را از هر جهت فراهم آورد، آیا در اینصورت انتظار دارید که دانشگاههای مافی الفور تبدیل به مؤسساتی گردند نظیر آنچه که در دموکراسیهای غربی وجود دارند. آیا در اینصورت دانشگاهها خواهند توانست رسالت ملی خود را به انجام رسانند و در پیشبرد فرهنگ کشور، در پی ریزی صنایع، در تربیت کادر فنی و علمی و نظایر اینها کمک مؤثری انجام دهند. آیا خواهند توانست کارهای پژوهشی کاربردی را با یک برنامه ریزی اصولی و منطقی براه انداخته و خود را از این بی محتوائی مژمن که دامنگیرش است برهانند، در اینجا با نقطه گذاری بدین آیاه که خیلی بیشتر از آنها را میتوان ردیف نمود، باید گفت که متأسفانه اینطور نیست و این حقیقتی است که نباید آنرا با توپیل به توهمات و خیالپردازیها سرپوش گذاشت. و اما چرا

چرا اینطور است؟ برای آنکه مسائل دانشگاهی جدا از مسائل مملکتی نیست و نمی تواند هم باشد، میدانیم که در هیچ جامعه ای نمیتوان یک مؤسسه و ارگان و یا سازمانی را مجزا و سوا از دیگر مؤسسات و ارگانها و یا سازمانهای آن در نظر گرفت. اینها همه بنحوی بهم وابسته اند و متأثر از یکدیگر، بنابراین این امکان وجود ندارد که بتوان مؤسسه ای از یک مملکت را بصورت جزیره ای مستقل در درون دریائی از مؤسسات نا مستقل و ناهماهنگ از آنها تصور نمود. بعبارت دیگر تادر کشوری همه سازمانها با یکدیگر کوك نباشند، اصلاح یک یا چند تا از آنها در عمل معنا و بیهوشی نخواهد داشت، وقتی ما قوه محقنه و قضائیه مستقلی نداریم چگونه میتوان از دانشگاههای مستقل سخن گفت. مادر این مملکت فقط یک قوه داشته ایم ویس و آنهم قوه مجریه ای از نوع دیکتاتوری مطلق، که سایه مصلح وار پراز فساد و تزویر و دروغ خود را بر همه مملکت افکنده است. آنچنان که احدی را نای نفس کشیدن باقی نگذاشته و با این سایه شوم خود همه چیز را از اقتصاد گرفته تا فرهنگ به انحطاط و نابودی کشانده است، اینکه می بینیم دانشگاههایمان کم محتوایند نباید تعجب نمود. چرا که سدم نمودن راههای توسعه فرهنگ عمومی سبب رکود فکری اندیشمندان نیز میگردد. اینکه می بینیم یک بلی کپی سالها بدون تغییر و تجدید نظر در اختیار یک ملزسه کاریک استاد بکار میزود نباید تعجب نمود. چرا که نه تنها کشش طبیعی و فکری را در این کشور بلکه همیشه قهراً گرائی مورثی در پی داشته است. اینکه می بینیم دانشجویان ما ابدأ صفت دانشجویی ندارند، اینرا باید خیلی طبیعی تلقی کنیم، چرا که ما نتوانسته ایم در دانشگاههای خود بطور اخص و در کشور خود بطور اعم محیط و آتشفرازم برای اینکار را بصورتی طبیعی و منطقی بوجود آوریم. ما حق نداریم بدین خاطر دانشجویان خود را ندانم و یا حتی آنها را نصیحت کنیم. بسیار دیده شده است که پاره ای از رجال دست اندر کار با دیدهای بی رنگ و کم عمقشان، براحتی و بی هیچ دغدغهای دست به مقایسه کیفیتهای دانشجویی در ایران و غرب میزنند، از وضع آموزش و پرورش در غرب، از سخت کوشی دانشجویان در آنجا در تفحص و تحقیق، از کتاب خوانی آنها داد سخن داده و دانشجویان ما را مورد ملامت قرار می دهند که با این همه دانشگاههای پر زرق و برق که برایشان ساخته ایم

بجای آنکه سرشان را بدرس و مشق مشغول دارند، بجای آنکه وقتشان را در کتابخانه ها بخواندن کتاب بگذرانند، سیاست بازی می پردازند، از این قبیل، وهم بر مبنای همین استدلالهای بی پایه و بی مایه است که گروهی ساده دل نتیجه می گیرند که از ماست که بر ماست، ولی می دانیم که حقیقت جز این است. حقیقت این است که دانشگاههای ما هیچ زرق و برق از علم و اندیشه نسدانند و اگر چیزی بنام زرق و برق است کف پوش است، موکت و مبل ساختمان که از اینها اندیشه نژاید. اینها جز حیف و میل پولهای ملت چیز دیگری نیست. بگذاریم از اینکه حیف و میلی هزاران برابر یش از این در مؤسسات و سازمانهای سوگلی دولت صورت می گیرد. اینکه می بینیم در عمل دانشجویان ما کار درسی خود را اغلب به خواندن پلی کپی برنامه ای، آنهم تنها در روزهای امتحان محدود می کنند و فقط برای مدتی بسیار تنگ و محدود و محتویات آنرا به حافظه می سپارند و بعد هیچ، این گناه دانشجویان ما نیست، این بخاطر عدم وجود یک نیاز طبیعی و منطقی است، بخاطر این است که دانشجویان ما بخواهی میدانند که دولت برای دانشگاهها جز «کارخانه های آدم مدرک دار» مفهومی قائل نیست و جز این هدفی را تعقیب نمی کند. بخاطر اینست که دانشگاهها در وضعی نیستند که بتوانند آدمهای مورد نیاز کشور را بمعنای واقعی تربیت نمایند، بخاطر اینست که میدانند بعد از فراغت از تحصیل، آموخته های آنها در کار و شغلی که خواهند داشت رل اساسی ندارد، میدانند که خیلی بیشتر از آموخته های آنها، توصیه یک شخص متنفذ در انتخاب کار و شغلشان، مؤثر خواهد بود و بسا از اینها که میدانند.

از اینها که بگذریم، گاهی به دانشگاههای ما ایراد میکنند که کاز پژوهشی ندارند، همین در پیشبرد کشور بسوی تمدن بزرگ بعهده نمیگیرند، پولهای مصرف شده در اینها بهدر میزود و حرفهایی از این قبیل. باید گفت که این نوع برداشتها بسیار اشتباه آمیز است، و اصولاً این نوع طرح مسئله حاکی از کم عمقی و سهل اندیشی است. در کشور ما نه برای آموزش هدف و برنامه ریزی صحیح در کار است و نه برای پژوهش. و حتی به جرأت میتوان گفت که در امر پژوهش وضع بسیار بدتر هم هست مملکت ما احتیاج به یک برنامه ریزی عمومی اصولی و منطقی برای آندسته از کارهای علمی و صنعتی و فرهنگی دارد که پیشبرد آنها بعهده دانشگاهیان باشد. این

حرف تازه‌ای نیست، نمونه‌ها در این مورد فراوان است کشورهای پیش رفته صنعتی غرب بکنار، حتی می‌توانیم در این مورد از کره و هنگ کنگ و حتی از چین فرمز برای صحت این تزه مثال بزنیم. اینها می‌توانند الگوهای خوبی برای ما باشند. اینها کشورهایی هستند که در عین حالیکه از بیخ و بن به غرب وابسته‌اند و حتی بلندگوهای غربند توانسته‌اند در طول مدت کوتاهی به طرح برنامه‌های ملی و با یک اجرائی اصیل و صمیمی به پیشرفت‌های بزرگی نائل گردند. مسئله همین جاست، که در کشور ما در اثر سالیان دراز حکومت فساد و دروغ و تزویر هیچ اصلتی را در هیچ کاری سراغ نمی‌توان گرفت. اگر در پاره‌ای از دانشگاه‌هایمان با صرف هزینه‌های زیاد تک و توك کار پژوهشی انجام می‌گیرد اینها هم اغلب کارهای فانتزی و ایده آلیستی، کتابلاً بشود از هدفهای مسلی و صرفاً بمخاطر جمع‌آوری امتیاز برای ترفیع آکادیمیکی مسئول یا مسئولان آن کار پژوهشی است، بگذریم از اینکه کار پژوهشی، حتی در این سطح نیز با مشکلات و مسائل فراوانی روبروست، برای انجام یک طرح پژوهشی امتیاز آوری مصرف، باید از خانها گذشت، باید برای تحمل رنج و جزبورو کراسی منحصراً یوب داشت، طرح ارائه شده برای تصویب از مسیرچه شوراها ناصالحی که نمی‌گذرد در اینراه چه کلاسیها که نمیشود، برای تصویب بالنسبه راحت یک طرح، چه تمویضها و نازنشست‌ها که به بهره‌های باصلاح منتفذ این پروکراسی منخط نباید داد، انسان دانشگاهی باید از آزادی خود دست شوید و قید کلاشان مهمل و احق را بگردن نهاد تا کاری از پیش برد، تازه وقتی این رشته از کارها بدان بهای گران براه افتاد مشکلات تمام نشده‌اند. مادر کشورمان نه صاحب صنایع لازم برای اجرای طرحهای پژوهشی هستیم و نه در دانشگاههایمان صاحب کارگاههای مجهز و تکنسینهای ما هستیم. از اینرو نلچاریم دستگاههای لازم را از خردوریش با بهای گران بخارج سفارش دهیم و ماها و سالها بانظار بشنیم که حمل و نقل گردد و از ناپائیهای وحشتناک گمرکها بگذرد. چه بسا در اینمدت صاحب طرح گذاشته و رفته است. که این خود حکایتیست دیگر، این طرز کار چیزی نیست جز تأیید مهاری که نواستعمارگران بدست ایادیشان در این کشور بدست و پای ملت میزنند، نه اصلتی در کار هست و نه خلافتی، چرا که در بهترین شرایط و احوال اینهمه صرف وقت و پول تبدیل به مقاله‌ای میشود که در یک نشریه علمی بین المللی چاپ گردد و برای ملت ما افتخار آورد، حال این

افتخار به چه دردمت میخورد خودجای حرف بسیار است گویا تنها بدین دردی خورد که بدینا بفهمانیم که ما ایرانیها آدم‌های بسیار باهوشی هستیم که قادریم کارهای بزرگی در سطح جهانی انجام دهیم ولی قادر به انجام ساده‌ترین مشکلات و مسائل خود در سطح کشورمان نیستیم و آنوقت است که از بابان نواستعمار بریشمان میخندند و تحسینمان میکنند و حق هم دارند که چنین بکنند. مادر حالیکه از بیازو سیب زمینی گرفته تا پرتقال و موز و آناناس، از سوزن گرفته تا تراکتور از گچ تخته سیاه گرفته تا کامپیوتر از خارج وارد می‌کنیم، چه حق داریم در زمینه پلاستما پژوهش نمائیم. اینها جزاهات به ملت و مملکت چیز دیگری نیست. در حالیکه میلیاردها صرف تأسیس دانشگاهها و تربیت کادر علمی شده‌است. آن کادر علمی که در اطاقهایشان در سینه دانشگاه جمع شده بجای بحث و فحص علمی، از قطعه زمین، آجر و گچ و سیمان حرف میزنند بحق هم اینطور میکنند، چرا که بعد از آنهمه تحصیل اغلبشان مسکن و ماوائی ندارند، و اگر پاره‌ای بهر مصیبت چیزی دارند هم زندگی‌شان در بهار اقساط بانکهاست، که خود و خانواده‌شان را بناه دهند و نگرانی واضطرابهای زمین و کاشنده را از فکر و ذهن خود دور سازند و بکار اسیلشان بپردازند. و اینها را نه تنها دانشگاهی بلکه هر کس دیگر میداند که چگونه ثروت ملی غارت شده‌است و غارت می‌گردد، چگونه چویدار صاحب بیلیاردها گردیده‌است و حساب صد میلیون تومنی را «تمه حساب» میگوید.

سخن در این مقول بسیار است ولی اصل و اساس مطلب یک چیز است و آن اینکه، مملکت یک پارچه دارای مفهوم است و جز اصلاح یک پارچه آن چاره‌ای نیست و آن اصلاح ریشه‌داری که ندای آن از ملت برخیزد و نه بعضی مسئولانیکه خود در عالم فساد می‌غلطند.

اما یکی از برنامه‌های رادیو و تلویزیون احداث رادیو تهران بود. رادیویی که مانند کشورهای خارجی بازگو کننده مشکلات مردم بود. من نمیدانم براه چه اساسی و یا دستوری مقامات رادیو و تلویزیون که در رادیو تهران نیز مسائل جاری شهر نیز مطرح نمی‌شود و اوقات این رادیو اجتماعی و سرگرم کننده به بخش موسیقی و موزیک میگذرد. مردم از خود می‌پرسند حتی دولت از یک رادیو محلی که حداقل می‌توانست جوابگوی خواسته‌های آنها در مورد مثلا - وقوع آتش سوزی ترکیدن لوله آب و یا کمک به بیمار در حال مرگ بود نیز نخواست است حمایت کند. و این واقعا

اسفبار است مسئولان رادیو و تلویزیون قول داده بودند که در هر شهری را دیو محلی مخصوصی برای نیازهای آن شهرداشته باشند.

بنابراین نباید مردم را بدین کرد. ولی متأسفانه بدنال بروی کار آمدن دولت شما بخش ناگهانی موزیک و موسیقی از رادیو تهران بطور مستمر باعث شد که مردم تصور کنند که حتی نمی‌توانند مشکلات پیش پا افتاده شهرشان تهران را هم بگویند. و این وضع واقعا جای تعجب است. باید دولت بجای اینکه باعث پیش آمدن چنین شبه‌های در بین مردم میشود لاقول این ایمان را به مردم بدهد که فرضاً در رادیو تهران سرنیزه - حکمفرمائی ندارد و مردم خیلی راحت می‌توانند از رادیو شهرشان خواسته‌های خود را مطرح کنند. اگر شما جلو اینکار را نگیرید مردم خواهند گفت که دولت میخواهد صداها را خاموش کند حتی صدای رادیو محلی مثل رادیو تهران را که برنامه‌های کمک دهنده و یاری - دهنده و آموزش دارد نه این بنظر من اصلا درست نیست باید جلو اینطور برنامه‌های خفه کننده و خانمان بر انداز را که باعث بروز هرنوع شایعه میشود گرفت. متشکرم (احست)

**دکتر تجدد** - همکاران - ارجمند، خانمها و آقایان امروز برنامه دولت تیمسار ارتشبد از هاری در مجلس شورای ملی مطرح است و همانگونه که میدانید در این برنامه گروهی موافق و گروهی مخالف سخن می‌گویند ولی اگر ما به برنامه این دولت نگاه کنیم می‌بینیم که در این برنامه فقط دو موضوع اساسی ذکر شده یکی تأمین استقلال مملکت که بخطر افتاده ..

**دکتر طبیب** - دردها مملکت را بخطر انداختند.  
**دکتر تجدد** - ویکی تأمین امنیت درباره سیاست‌های اجرائی مانند سیاست صنعتی و کشاورزی و آموزشی و سایر مسائل که صحبتی نشده، بنابراین حق این بود که مخالف و موافق در این موقع حساب و بخرانی متوجه و یکپارچه درباره استقلال مملکت که حقیقتاً بخطر افتاده صحبت می‌کردیم نه اینکه همان حرفهای گذشته را تکرار کنیم چقدر درباره فساد و ناسامانیهای اداری و صنعت و کشاورزی و غیره صحبت کنیم خانه از پای بست ویران است خواهجه در بند نقش ایوان است.

**چند نفر از نمایندگان** - خانه ویران نیست.  
**دکتر تجدد** - دیروز بایکی از همکاران اقلیت صحبت می‌کردم می‌گفت که در برنامه دولت صحبت از حفظ استقلال مملکت شده و ما استقلال داریم ولی حقیقت این است که استقلال مملکت بخطر افتاده آقایان خانمها می‌باید این واقعیت را قبول کنیم که هنگامی که در خیابانها و کوچه‌های این مملکت عده‌ای با وقاحت و بیشرمی علیه قانون اساسی و علیه رژیم مملکت علیه شاهنشاه بزرگ ما با تحریک و دسیسه بیگانه و عوامل استعمار شعار میدهند

**مجتبائی** - مرگ بر آنها

**دکتر تجدد** - استقلال مملکت به خطر افتاده است.

**خانم سلیمی** - چنین چیزی نیست.

**دکتر تجدد** - وقایع چندماه اخیر مملکت از وقایع قبل از مرداد ۱۳۳۲ و خیم ترشد هنگامی که در دانشگاه تهران که می‌باید مهد ایران پرستی و پایگاه آرمانهای ملی باشد متأسفانه با تحریکات و دسائس بیگانگان اجتماعات ۳ و ۴ هزار نفری تشکیل می‌شود و در این اجتماعات جز شعارهای ضد ملی و کمونیستی چیزی نمی‌بینیم با چشم خود دیدم که در شعارهایی مردم را به قیام مسلحانه تحریک میکنند دیدم که نوشته بودند کمونیسم و لنینیسم را بمیان توده‌ها ببریم، دیدم که پرچم‌های سرخ آویزان کرده بودند.

**سالار جلی** - آنها ایرانی نیستند.

**دکتر تجدد** - بنابراین بیاید این واقعیت را قبول کنیم که استقلال مملکت ما از سوی بیگانگان و استعمارگران در معرض تهدید قرار گرفته است.

**سالار جلی** - غلط کرده‌اند!

**دکتر تجدد** - هنگامی که دیدیم در حوادث اخیر در گوشه و کنار مملکت از حلقوم بعضی‌ها صدای تجزیه طلبی بلند شد صدای تجزیه گردستان بلند شد می‌باید قبول کنیم که استقلال مملکت بخطر افتاده است.

**شیخ الاسلامی بانه** - کردها به رژیم شاهنشاهی وفادارند و از ایرانیان اصیل هستند.

**دکتر تجدد** - ولی چیزهایی است که دیدیم و شما هم ملاحظه کردید من میدانم و قبول دارم که کردها نژاد اصیل ایرانی هستند و می‌دانم که کردها هم بنامند دیگر مردم ایران، ایران پرست هستند.

**دکتر اسفندیاری** - مثل بقیه ایرانیان.

دکتر تجدد - ولی قبول کنید که بیگانگان در میان آنها رخنه می کنند شما ملاحظه کردید چند روز قبل بعضی از گروهها که ادعای وطن پرستی داشتند گفتند ما برای نجات مملکت اول یک حکومت ائتلافی ملی تشکیل شود وبعد این حکومت رفتارندوم کند و تکلیف رژیم مملکت را تعیین نماید.

دکتر شیروانی - دولت خودش میگوید موقتی هستم .  
دکتر تجدد - همکاران گرامی مگر ما قانون اساسی نداریم ، مگر قانون اساسی تکلیف رژیم را معین نکرده است گروههایی که این حرفها را میزدند نوکر بیگانه بودند و میخواستند در صفوف متحد و متشکل ملت ایران که شکایتشان از فساد و نابسامانی مملکت بود ایجاد شکاف کنند ولی این گروههای ضد ملی میباید بداند که ملت ایران در طول تاریخ چند هزار سال خودش هیچگاه زیر ظلم و جور بیگانه نرفته و نخواهد رفت بعضی از همکاران محترم آمدند از پشت تریبون درباره فساد، درباره نابسامانیهای اداری و تبعیض و تبعیضاتی سخن گفتند و خیلی خوب هم سخن گفتند ولی حقیقت این است که ما در این بزهد از زمان و در این موقعیت حساس چه می باید بکنیم عده ای آمدند و گفتند که بجای این دولت نظامی یک حکومت ملی ائتلافی تشکیل شود این حکومت ائتلافی را چه کسانی می باید تشکیل بدهند آنهایی که میخواستند این حکومت را تشکیل دهند سرانجام میخواستند چه ترفندی را بکنند البته این دولت نمیتواند دولتی برای یک مدت طولانی باشد این دولت هم چنین ادعائی را نکرده است و میگوید دولت موقت هشتم ولی برای تشکیل دولتی که بتواند کارهای اساسی و بنیادی را بکند و یک برنامه مفصل ارائه بدهد احتیاج بزمان داریم قبول کنید که ما از ۲۸ مرداد سال ۳۲ به بعد وحتى قبل از آن در این سه مدت تشکیلات حزبی و سیاسی واقعی نداشتیم سازمانهای سیاسی و حزبی که تا امروز در مملکت بوجود آمده در موقعیت خاص و در زمانهای خاص بوجود آمده اند و بعد از مدتی از بین رفته اند ما در این مملکت افراد وطن پرست بسیاری داریم که میتوانند این مملکت را اداره کنند، ولی میباید تشکیلات حزبی سیاسی و پایداری داشته باشند که مجهز به ایدئولوژی و دارای پرنسپب هائی باشد در چنین سازمانهای سیاسی و حزبی ما میتوانیم افرادی را تسریع کنیم آنها بتوانند در آینده برای اداره این مملکت آماده باشند (یکی از نمایندگان - شناخته شده هستند) تصدیق بفرمائید که مادر

شرایط کنونی افراد با کفایت و مدیر شناخته شده ای را بعد کافی حاضر و آماده نداریم بعضی از کشورهای پیشرفته و مترقی تشکیلات سیاسی و حزبی دارند که عمر بعضی از آنها بیش از یک قرن و نیم است حتی بعضی از کشورهای همسایه ما تشکیلات سیاسی و حزبی پایداری ندارند که سالها از عمر آنها میگذرد و چنین سازمانهایی ضامن دوام و بقای یک کشور است.

همکاران ارجمند: دشمنان ایران که از جهات مختلف باین مملکت حمله می کنند در حال حاضر می بیند که بیشتر، سنگر ملت یعنی مجلس شورای ملی را مورد حمله قرار میدهند و شما دیدید همه گروههای مخالف که خواستهای خود را اعلام کردند یکی از خواستهایشان انحلال مجلسین بود، چون میدانند تنها سنگری که آماده است سرسختانه از موجودیت و رژیم مملکت دفاع کند مجلسین ایران است ( یکی از نمایندگان : ملت ایران دفاع میکند ) ما نمایندگان ملت ایران هستیم وقتی گفتیم مجلسین ایران یعنی ملت ایران، بنابراین ما نمایندگان مجلس شورای ملی میباید موضع خودمان را با استحکام و با قدرت در مقابل عوامل استعماری و دشمنان ایران مشخص کنیم تا آنها نتوانند این قبیل یاوه سرائی ها را بکنند بارها گفتند که مجلسین ایران مجلسین قلابی هستند بارها گفتند که این نمایندگان ، نمایندگان واقعی ملت نیستند آیا بحق چنین است؟ میدانید که در طول ۷۲ سال عمر مشروطیت تنها مجلسی که بارای مردم و با دست مردم نمایندگان انتخاب شدند مجلس رستخیز بود البته اگر به رستخیز ایراداتی وارد است نسبت به انتخابات رستخیز هیچگونه ایرادی وارد نیست بنابراین آقایان نمایندگان اقلیت شما که از هر فرصتی که در صحبت کردن و خود نمائی استفاده میکنید بارها ملاحظه کردید دشمنان باین مجلس حمله کردند اگر واقعاً شما معتقد بودید که این مجلس قلابی است و نمایندگان مجلسین ایران واقعی نیستند چرا استعفا نکردید ولی اگر معتقد هستید که مجلسین ایران که مجلسین واقعی هستند چرا به این قبیل یاوه سرائی ها جواب ندادید .

رئیس - آقای دکتر در برنامه دولت صحبت بفرمائید .  
دکتر تجدد - امروز بیش از هر زمان دیگری ما احتیاج به این دو وحدت و یگانگی داریم و این وحدت و یگانگی می باید هم در جامعه باشد و هم در مجلسین ایران مانع نباشد فقط برای وجه الملو کردن خودمان صحبت کنیم وجه المله شدن برای چه و بعضی ها چه هدفهایی در اینکار دارند.

امروز موضوع بود و نبود مملکت مطرح است موضوع نیستی و بقای مملکت است موضوع از دست رفتن وحدت و یگانگی ملت ماست موضوع از دست رفتن موجودیت ملی ماست پس می باید امروز بیش از هر زمان دیگری بخصوص در این مجلس وحدت و یگانگی خود را حفظ کنیم و موضع خود را مشخص بکنیم تا هیچ بیگانه ای نتواند تهمت و افترا بمانند. شما ملاحظه می کنید بعضی از نمایندگان تا تکنیک هائی اعمال میکنند و مانور هائی میدهند این مانورها و تکنیکها در واقع بخاطر ایفای وظیفه نمایندگی و احساس مسئولیت در برابر ملت ایران نیست بلکه بخاطر این است که بعضی ها خودشان را وجه المله نشان بدهند دیدید که چند روز قبل آقای بنی احمد از نمایندگی مجلس شورای ملی استعفا کرد خودمان گفتیم که مانور است و در خارج هم گفته شد که این اقدام یک مانور است و بزودی استعفا خودش را پس میگیرد همینطور هم شد و ایشان زودتر از موقعی که فکر میکردیم استعفایشان را پس گرفتند کاری بکنیم که در این برهه از زمان با این قبیل کارها مورد ایراد مردم قرار نگیریم بتمسار ارتشبد اظهاری یکی از قسمت های مهم برنامه شما تأمین امنیت است ولی این امنیت سرانجام می باید در کنار تأمین آزادی های فردی و اجتماعی باشد برای اینکه تا چند ماه قبل که ما بطور کامل امنیت داشتیم ولی چون این امنیت در کنار خفقان بود و آزادیهای سیاسی و اجتماعی و فردی آنطور که لازم بود در کشور وجود نداشت ملاحظه کردید میلیاردها تومان از ثروت مملکت را غارت کردند و بردند (دکتر طبیب - علی رضائی) و امروز درباره آن غارتها صحبت می کنیم بنابراین جناب نخست وزیر انتظار داریم که دولت شما در عین حال که امنیت را تأمین کند بسمت تأمین آزادیهای فردی و اجتماعی هم پیش رود در خصوص مبارزه با فساد که شما عنوان کردید حقیقت این است که برای مبارزه با فساد ما احتیاج به یک دادگستری قوی داریم جناب دکتر نجفی ، دادگستری ما یک دادگستری ضعیف است قوانین و مقرراتی که وجود دارد دست و پاگیر هستند . برای اجرای عدالت و تعقیب خائنین و دزدان میباید دادگستری را قوی کنیم و همانطور که در برنامه دولت اشاره کرده اید قوانین و مقررات دست و پاگیر را طوری تغییر دهید که کار دادگستری سریع و قاطع شود و مجلس از هر حیث آماده است که این قوانین و مقررات را بگونه ای که بشود بهتر و سریع تر با فساد مبارزه کند تغییر دهد بعضی از همکاران در مجلس شورای ملی و

حتی عده ای خارج از مجلس پیشنهاد کردند که برای مجازات دزدان و غارتگران دادگاه خلق و دادگاه ملی تشکیل شود. ما احتیاج به تشکیل چنین دادگاه هائی نداریم و اصولاً این دادگاهها هنگامی تشکیل میشوند که در یک کشوری کودتا کنند و رژیم آن کشور را سرنگون نمایند در اینصورت انقلاب کنندگان میباید بدون توجه به قوانین و مقررات آن کشور دادگاه خلق و یا ملی و از این قبیل عناوین تشکیل میدهند تا دشمنان شان را محاکمه و مجازات نمایند. محاکمه و مجازات خائنین و دزدان در کشور ما میباید مطابق با قانون اساسی و مطابق با قوانین و مقررات و مصوبات مجلسین باشد. دادگاههای ملی و یا خلق همیشه با یک دید معین و برای رسیدن به هدفهای میهنی تشکیل میشوند. متأسفم که بعضی ها حقوقدان هستند و میباید در این مجلس تشکیل دادگاه ملی را اعلام می کنند در همه جای دنیا دزد و خائن هست و یک دستگاهی میباید بطور مستمر و با قدرت آنها را محاکمه و مجازات کند ولی حقیقت این است که تا بحال نخواسته اند در کشور ما چنین کاری بکنند جناب آقای وزیر دادگستری: دادسراهای ما ضعیف هستند. علت اینکه دیوان کیفر تا بحال نتوانسته کار مؤثری را برای مجازات خائنین و دزدان بیت المال مملکت انجام دهد این است که خیلی مواقع بازپرسان دیوان کیفر که میباید با جمع آوری مدارک و دلائل پرونده را برای فرستادن به دادگاه آماده کنند عبد و عبید وزیر دادگستری وقت بوده اند و متوجه دستور دادگستری وقت بودند که اجازه چنین کاری را بدهند شنیده ام که حتی مواردی الگوی حکم را قبلاً مینوشتند. مطلب دیگر اینکه حتی برای ضعیف کردن و مأیوس کردن بازپرس دیوان کیفر او را از نظر مرتبه اداری در گروه ع قرار داده اند ولی اخیراً آمده اند افرادی را که آنظر کار قضائی قوی تر هستند دادیار دیوان کشور کرده اند و بعد با آنها اختیارات بازپرس دیوان کیفر را داده اند. سؤال من از جناب وزیر دادگستری این است که چرا گروه بازپرس دیوان کیفر را که آنهمه وظائف مهم است بالا نمیرید. دادسرای دیوان کیفر میباید قوی ترین دادسراها باشد و استقلال قوه قضائیه میباید کاملاً حفظ شود و قوه مجریه از دخالت در قوه قضائیه بپرهیزد و رفاه قضات میباید کاملاً تأمین شود در غیر اینصورت هیچگاه بعدالت نمیرسیم .  
در برنامه تمام دولتهائی که در طول سه سال اخیر باین مجلس معرفی شده اند مدعی مبارزه با فساد و انقلاب

اداری بودند ولی عملاً نه انقلاب اداری صورت گرفت و نه با فساد مبارزه شد. تعدادی که تا بحال بازداشت شده‌اند کافی نیستند میباید صدها نفر که در طول سالهای اخیر بیت‌المال مملکت را خورده‌اند و یا بعنوان دیگر مرتکب فساد شده‌اند محاکمه و مجازات شوند. به آنهاییکه قراردادها و پیمانهای خلاف مصالح ملت منعقد کرده‌اند. آنهاییکه به شاهنشاه دروغ گفته‌اند آنهاییکه گزارشهای خلاف واقع داده‌اند. آنهاییکه عملاً و عامداً به جامعه روحانیت بی‌حرمتی کرده‌اند که خشم آنها را علیه مبانی رژیم مملکت برانگیزند و موارد دیگر همه فاسد و خائن‌اند میباید محاکمه و مجازات شوند. فساد تنها در بخش دولتی و سازمانهای دولتی نبوده بلکه خیلی مواقع فساد در بخش خصوصی بیشتر بوده است مثلاً بسیاری از صاحبان صنایع صدها میلیون تومان به بهانه توسعه صنایع خودشان از دولت کمک گرفتند ولی این پولها را صرف بورس بازی زمین و کارهای دیگر کردند و بردند و خوردند و یا اعلام ورشکستگی نمودند و بدولت پس ندادند ولی آنکس که ده هزار تومان از بانک تعاون کشاورزی وام خواست یا باو ندادند و یا اینکه او را آتقدار گرفتار مقررات دست و پا گیر کردند که از گرفتن وام صرف نظر کرد.

برای مبارزه با فساد تنها مبارزه با تعدادی فاسد که در چند سال اخیر انگشت نشان شده‌اند کافی نیست. میباید به حساب همه آنها هم که در طول بیست و چند سال اخیر ثروت عمومی را غارت کرده‌اند رسیدگی شود. شرکت معاملات خارجی از سازمانهایی است که در سالهای اخیر سوء استفاده‌های زیادی در آن صورت گرفته و عده‌ای که از بخش خصوصی با این شرکت دولتی معاملات داشته‌اند با حمایت و پشتیبانی بلند پایگان مملکت هم خودشان صاحب ثروت‌های کلان شده‌اند و هم مسئولان شرکت و وزارت بازرگانی را صاحب سرمایه‌های زیادی کرده‌اند. متأسفانه میخوام عرض کنم که در طول دوهفته اخیر عده زیادی از دزدان و غارتگران دولتی و بخش خصوصی از مملکت فرار کرده‌اند و دولت باین مسئله توجه نکرده است.

بسیاری از فاسدین و خائنین که در سالهای اخیر میلیونها تومان از بیت‌المال مملکت را خورده‌اند رد پائی برجای نگذاشته‌اند و ممکن است دلائل محکمه‌پسندی برای مجازات آنها وجود نداشته باشد ولی ملت میخواهد که بحساب آنها رسیدگی شود و آیا بجا نیست که قانون از کجا آورده‌ای را اجرا نمایند.

در یک سیستم دموکراسی و در مملکتی که رژیمش دموکراسی است احتیاج بمطبوعات آزاد داریم این مطبوعات میباید همواره در یک پایگاه ملی سخن بگویند و دید ملی داشته باشند نویسندگان و اداره کنندگان مطبوعات میباید بقانون اساسی مملکت معتقد باشند روزنامه‌ای که فقط از دولت تعریف و تمجید کند روزنامه نیست و بدرد مملکت و ملت نمی‌خورد دولت اگر می‌خواهد حرفهایش را بزند خوب است روزنامه را با عنوان ارگان ملت منتشر کند و تمام حرفهایش را در آن بنویسد مردم هم باید روزنامه داشته باشند و حق دارند از هر چه نابسامانی و فساد است صحبت کنند و انتقاد کنند و کسی نباید جلوی آنها را بگیرد در این صورت است که دموکراسی ما رشد می‌کند و با چنین دموکراسی می‌توانیم جلوی فساد را بگیریم همچنین می‌باید به نقش رادیو و تلویزیون توجه خاص داشته باشیم تهیه کنندگان و اجرا کنندگان برنامه‌های رادیو و تلویزیون میباید به نقش ملی و ارشادی خود بخوبی واقف باشند ولی متأسفانه ما دیدیم افرادی در این دستگاه بودند که دید ملی نداشتند و در مواقع حساس و بحرانی تشنجات و اختلالات را دامن زدند و آتش را بیش از پیش در این مملکت شعله‌ور ساختند ملاحظه کردید چند روز قبل فیلمی از تلویزیون منتشر شد که مربوط به جریان دانشگاه و حمله نیروهای مسلح بدانشگاه بود من شخصاً با ورود و حمله نیروهای مسلح بدانشگاه مخالفم ولی شما بدانید این فیلم سی و چند دقیقه بود و عمداً بگونه‌ای سانسور شد  $v$ ،  $8$  دقیقه بخش گردید فقط برای اینکه بدترین اثر را روی جامعه بگذارد.

**دکتر فروزین** - فیلم دانشگاه را کمونیست‌ها تهیه کرده بودند.

**دکتر تجدد** - در خاتمه عرایض خود سخنی باملت ایران دارم مانی دانیم ملت ایران خشمگین است ملت ایران در برابر آن فسادها و نابسامانیها و تبه‌کاریها هر چه خشمگین باشد حق دار، اکنون زمانی است که این خشم را تعدیل کند و ما نمایندگان میباید در تعدیل کردن این خشم و نارضایتی نقش حساسی را بعهده بگیریم تا این دولت بتواند در فضای جدیدی که بوجود می‌آورد تمام معنی با فساد و نابسامانیها و اشکالاتی که در مملکت هست مبارزه کند اکنون زمانی نیست که تفرقه و تشتت وجود دستگی بین ملت ایران باشد همه میباید متحد شویم و مملکت را نجات دهیم مانی باید قبول داشته باشیم که تاروپود ملت ایران با تعالیم و آئین‌های دینی و سنت‌های ملی تهیه شده هیچوجه جامعه اجرائی

تمی تواند از دین مقدس اسلام و سنت ملی اش گسسته شود و دست بردارد مانی باید مسائل و موضوعاتی را که روحانیون عنوان می‌کنند آنچه مطابق قانون اساسی و اصلاح ملک و ملت است با جان و دل بپذیریم و مورد عمل قرار دهیم باشد که خداوند ما را در این لحظات تاریخی و حساس که بیش از هر زمان دیگر احتیاج به تفکر صحیح و چاره‌اندیشی داریم از شر دشمنان و بداندیشان حفظ کند و نجات بدهد (احسنت)

**رئیس** - آقای نواب صفا بفرمائید.

**نواب صفا** - من قبل از اینکه وارد صحبت شوم میخواستم عرض کنم که آقای دکتر تجدد حق نداشتند در غیاب آقای بنی‌احمد به ایشان حمله کنند.

**دکتر تجدد** - واقعیات را گفتیم.

**نواب صفا** - ایشان هم میتوانند خیلی از واقعیات‌ها را در مورد جنابعالی بگویند. اهانت نکنید.

**مجتبائی** - البته اگر کسی حرف نازوا بزند نامی توانیم ساکت بنشینیم.

**نواب صفا** - همکاران گرامی:

سنگین نبود این همه خواب‌ستمرگان

گر میشد از شکستن دلها صدا بلند  
(احسنت)

ملت نجیب ایران ملتی با پشتوانه فرهنگی چند هزار ساله ملتی هوشمند و ملتی شجاع پس از تحمل سالها ظلم و تعدی و فشار و غارت و بی‌عدالتی و سکوتی قهرآمیز سکوتی لبریز از نفرت سکوتی که در هر نظام غیر دموکراسی بر ملت‌ها تحمیل میشود و بالاخره سکوتی که فدای شکستن‌های دل‌ها را نیز کسی نمیشنید و ستمرگان را در خوابی سنگین فرو برده بود بخروش آمد و ناله‌هایش تبدیل بفریادها شد.

شکستن‌های دل‌ها ناله شد آهسته آهسته

فزونتر چون شود این ناله‌ها فریاد میگردد اما حکومت این فریادها را نیز نتوانست تحمل کند زیرا بسکوت عادت کرده بود و تصور میکرد که ملت ایران محکوم بسکوت است باید ساکت باشد تا استعمارگران غربی و شرقی با دستبازی نوکران داخلی‌شان بغارت و چپاول بیت‌المال ملت ادامه دهند. نوکرانی که با طرح نقشه‌های حساب شده از پانزده سال پیش بر ملت ایران تحمیل شدند. تمام پایگاه‌های اجرائی را اشغال کردند.

تمام ستادهای سیاسی و تبلیغاتی را در اختیار گرفتند. این نوکران دروغگو و بازیگران بی‌آبرو ماسک‌های مختلفی زدند و بانجام یک نمایشنامه کم‌ذی، تراژدی برداختند که در کمتر نقطه‌ای از نقاط دنیا سابقه داشت، کمونیست‌هایی که رنگ عوض کرده ماسک شاه‌دوستی زده بودند.

بهائی‌هایی که با کمک عوامل سازمانهای جاسوسی غرب حمایت میشدند، افراد بی‌وطنی که از ظرف کارتل‌ها و تراست‌های نفتی دستور میگرفتند بازیگران این نمایشنامه فبیح بودند، استعمارگران که با تمهید مقدماتی بعد از ملی شدن نفت جای استعمارگران را گرفتند با ما همان معامله‌ای را کردند که با ملت‌های جهان سوم، با ملت‌هایی نظیر امریکای لاتین و ملت‌های بظاھر استقلال یافته افریقا این برنامه ریزی بسیار دقیق و حساب شده بود و بایستی در طی ۱۰ سال بمورد اجرا گذاشته میشد.

یعنی تا روزیکه قرارداد بیست و پنج ساله کنسرسیوم در شرف اتمام است زیرا نفت ایران یعنی طلای سیاه سیال

از بهترین نوع نفت‌های دنیاست نفتی از نوع سبک و کم گوگرد و بسیار گرانبها و تأمین کننده نیازهای اروپا و ژاپن و چند کشور دیگر. برنامه کارتل‌ها و تراست‌های نفتی که در حقیقت تعیین کننده سیاست‌ها و سرنوشت‌ها و بوجود

آورنده قصه‌ها و سرگذشت‌هاست عبارتست از یک سو غارت هر چه بیشتر منابع ملی کشورهای دارنده نفت و از طرفی محتاج کردن همه این ملتها بقوت لایموت، ازین بردن پایه‌های کشاورزی آنها. بوجود آوردن صنایع مونتاژ

و صنایعی که همیشه محتاج دیگران است و بالاخره اتکای این ملتها بمنابع اقتصاد واحد یعنی تک‌اقتصادی شدن و امروز خارجی میخواهد باقیمانده ثروت ملی ما را هم با فشار و تهدید تا پایان قرن بیستم یکجا در اختیار بگیرد. متأسفانه بسئوالی که من و همکارم آقای مظهری در مورد نفت کردیم دولت گذشته جواب نداد و بقوت خود باقی است ولی پاسخ آقای شریف‌امامی در چند جلسه پیش بمجلس که آنها از ما چیزی نمیخواستند که ما موافقت نکردیم تأیید کننده همین عرایض است. حقایق

باید باستحضار ملت ایران برسد. من تصور میکنم ملت ما یک دل و یک جهت و با چنگ و دندان از منابع و منافع ملی خویش دفاع خواهد کرد. بی‌اثید بگوئید که استعمارگران از ما چه میخواهند. ملت استقلال طلب ما

مسلماً در صورت آگاهی از واقعیات خاموش و بی‌تفاوت باقی نمی‌ماند روزگاری در کشور ما افرادی بودند بظاھر چپ و یا دادن شعارهای تند خود را توده‌های معرفی میکردند ولی در باطن از عوامل شرکت نفت بودند و بانها توده نفتی میگفتند و امروز هم این توده نفتی‌ها با همان شعارها بمیدان آمده‌اند وقتی از موضع مقام سلطنت مشروطه بملت و همه قوای سه گانه ارائه طریق میشود چرا باز هم مردم را به گلوله باید بست؟

قائم - زهی تأسف است.

**نواب صفا** - یاچرا باکولی بازی و هجوم بمساجد کرمان و شهرهای دیگر مردم را عصبانی میکنید همه باورهای جامعه ماست گردیده و یک حرکت انقلابی و سریع و صادقانه میتواند پاسخگویی این انقلاب باشد. مردم اصفهان روزهاست که با تعطیل مغازه‌های خود و یا انجام تظاهرات آرام اعتراض خود را ادامه میدهند و تا روزیکه این گلوله‌ها بسینه افرادی که طی ۱۰ سال گذشته موجبات سقوط ما را فراهم کردند، کشاورزی ما را باین روز انداختند، فرهنگ ملی و مذهب و اخلاقیات ما را بسخره گرفتند و خلاصه آنچه را استعمار میخواست بمرچله اجرا گذاشتند فروزود باور و اعتقادش استحکام نخواهد یافت من متأسفم که وزیر دادگستری بجای آوردن لوایح انقلابی جهت تشکیل یک محکمه فوق العاده میخواهد خیانتکاران بزرگ تاپیخ ایران را دردیوان کتیر، کتیر دهد یا بوسیله بازرسی کل کشور مقدمات تعقیب آنان را فراهم سازد باید دریک محکمه فوق العاده مدعی العموم بنام ملت علیه تمام کسانی که بملت ایران خیانت کرده‌اند ادعا نامه صادر کند دراین محکمه است که باید مجیدی ها را بجرم برنامهریزی های غلط و خاصه خرجی و رفیق بازی و همکاری با مقاطعه کاران بزرگ و بر باد دادن درآمدهای ملی کشور بنام ملت محاکمه کرد ما زانو نمیخواهیم که دزدی کرده‌ای و بدنبال مدرک دزدی بگردیم ما باید او را بجرم خیانت بملت محاکمه کنیم. همه کسانی که با اقتصاد، فرهنگ، مذهب و با اخلاقیات ملت ما و جامعه خیانت کرده‌اند البته بدزدیهای که کرده‌اند نیز با قوانین موجود نمیتوان رسیدگی کرد مثلاً کیانپور یک جرمش اختناق مطبوعات و درهم ریختن دستگاه قضا است که باید در محکمه ملی محاکمه شود و یک جرمش ثروتی است که اندوخته است و میتواند با همین قانون از کجا آورده‌ای او را محاکمه کرد (آفرین) گرچه شنیده‌ام بمقام تصدی وزارت دادگستری در مورد پرونده‌های لو و در دیوان کتیر مجیدیه قرار منع تعقیب صادر کرده است و همین امر بنوبه خود جرمی است که باید تعقیب شود هلی باید باو گفت تو که بگفته خودت به هنگام تحصیل یا کفش بوراخ بمدرسه میرفتی امروز این ثروت را از کجا آورده‌ای و همین حکم را در مورد سایر وزیران و استانداران و مدیران بخش‌های خصوصی و دولتی و همه شرکت‌ها و سازمانهای مملکتی تسری داد ولی امثال جعفریان را باید بجرم خیانت بفرهنگ ملی خیانت در لباس امانت دار اخلاق و مذهب جامعه ایران بمقام تهدید

قائم مقام سازمان رادیو تلویزیون ملی در آن محکمه ملی محاکمه کرد و بحساب های مالی سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران نیز باید دقیقاً رسیدگی کرد من متأسفم که شنیده‌ام هنوز آقای قطبی در پس پرده کار میکنند.

**خانم داودی** - آقای قطبی بسیار انسان خوبی است.

**نواب صفا** - انسان خوب چه ربطی بکارش دارد؟ (خنده نمایندگان) ملت ما تا بهمه دست آوردهای قانون اساسی دسترسی پیدا نکند روی سعادت را نخواهد دید ما با قانون اساسی میثاق بسته‌ایم و این قانونی است انسانی که به سعادت همه انسانها توجه کرده است بعد از هفتاد و شش سال که از عمر مشروطیت ما میگذرد هنوز ملت ما شاهد آزادی را بمعنی واقع نتجشیده است در یک جامعه آزاد است که تمدن بوجو میآید همه فضیلت ها در جامعه مختنق جای خود را به رذیلت ها میدهد آزادی مردانگی، شرف، تقوی، تعاون، مردمی، انصاف و همه فضائل اخلاقی در یک جامعه آزاد رشد پیدا میکند و برعکس در یک جامعه بدون آزادی، دروغ، تملق، سخن چینی، ستمکاری، ظلم، بی عدالتی و همه رذائل اخلاقی پرورش مییابد. در محیط دموکراسی رجال ملی و شایسته تربیت میشود جامعه ایران اگر در طی هفتاد و چند سال در دامن دموکراسی زندگی کرده بود امروز ما هیچ مشکلی نداشتیم، اگر ~~مسا~~ بهم تعدی میکنیم بخاطر اینست که بما تعدی شده است در حالیکه در جامعه آزاد تعدی وجود ندارد و تنها قانون حکومت میکند و رمز آزادی را قانون تعیین میکند و احترام بقانون در چنان جامعه‌ای وجود دارد. بیائید از دادن آزادی به مردم بیروانی، نداشته باشید. مطبوعات اگر در طی این سالها آزادی داشتند امروز در استفاده از آزادی شتاب زده نبودند و یک نویسنده مسئول وظیفه خود را درست انجام میدهد و تا روزی هم که نویسنده آزاد نباشد خودش احساس مسئولیت نکند ما با آزادی مطبوعات بمعنی حقیقی نخواهیم رسید مسئولیت مساوی با اختیار است بنابراین یک نویسنده مسئول باید یک نویسنده مختار هم باشد و با داشتن آگاهی‌های لازم مسئولیت خود را در قبال جامعه و مردم مملکت ایفا کند. این وزارت اطلاعات با اینهمه عرض و طول و با اینهمه بودجه برای چیست؟ سیاست تبلیغاتی مملکت سرتاپا غلط است کار وزارت اطلاعات در طی سالیان متمادی قیچی کاری و سانسور مطبوعات بوده است نه هدایت و حمایت جامعه مطبوعات

نه تفهیم و تفاهم در زمینه مسئولیت‌ها و دادن اختیار و آگاهی‌های لازم و کمک بر شد مطبوعات واقعی.

**آقای رئیس دولت** شما چرا اجازه نمیدید که مطبوعات آزادانه کار، خود را آغاز کنند. قصاص قبل از جنایت که صحیح نیست شما بر طبق قانون اساسی باید به مطبوعات آزادی بدهید و طبق قانون اساسی و قانون مطبوعات اگر خلانی از آنها دیدید تعقیبشان کنید.

ناپلئون میگوید من مملکت را بدون دولت نمیتوانم تحمل کنم ولی بدون مطبوعات نمیتوانم شما که از ناپلئون دیکتاتورتر نیستید. دولت شریف‌امامی یک دولت قانونی بوده است این دولت نسبت بمطبوعات تعهداتی کرده تضمین نامهای امضاء کرده شما چطور تعهد او را نادیده میگیرید؟ اگر دولت قبلی نسبت به یک مملکت خارجی تعهدی میکند آیا شما نمیتوانستید آن تعهد را نادیده بگیرید؟ بنابراین نسبت بجامعه مطبوعات هم باید به تعهد آن دولت وفادار باقی بمانید. متأسفانه در وزارت اطلاعات ایادی و نوکران دولت ۱۰ ساله هنوز دست اندر کار هستند. این وزارتخانه بود که قلم‌ها را میشکست و سازمان امنیت قدم‌ها را بزنجیر میکشید. در زمینه شکنجه‌های ساواک در گذشته آنچه خواندیم و شنیدیم واقعاً شرم‌آور و مایه تأسف بود دوران شکنجه ساواک از تاریکترین ادوار کار این سازمان بوده است. این تشکیلات بجای شکنجه دادن جوانان برومند مملکت که در آینده سرنوشت ایران را در دست میگیرند یا نابود کردن جوانهایی که در شکنجه‌گاه‌ها مرده‌اند باید بکارهای امنیتی و ضد امنیتی بمعنی درست کلمه میرسید کمابینه در زمان تصدی تیمسار پا کروان که یکی از چهره‌های کم نظیر این مملکت است چنان شکنجه‌هایی در کار نبود و شنیده میشود که در دوران اخیر نیز از شکنجه خبری نیست و من امیدوارم این مسئله برای همیشه در مملکت ما از میان رفته باشد.

ما حق نداریم هیچ انسانی را بجرم داشتن یک عقیده سیاسی یا ایدئولوژی خاص یا خواندن یک کتاب حتی بازداشت کنیم چه رسد، به اینکه او را بشکنجه‌گاه بفرستیم برای چه فردی مثل دکتر علی شریعتی محقق و جامعه شناس و تئورسین بزرگ جامعه اسلام را در سیاه چال انداختند و زبان حق گوی او را برای همیشه بستند. مبارزه با مارکسیسم که با شکنجه جوانان میسر نیست و دیالکتیک را باید با دیالکتیک جواب داد نه با زور و با اختناق امروز بجزری را که شریعتی افشاندند است در سراسر اروپا و آمریکا و ایران بارور گردیده است و خلاصه، همه

اعتراضات و نابسامانی‌ها نتیجه همان طرز رفتارهاست با صداقت عرض میکنم که هرچه کرده‌اند اشتباه بوده و هرچه میکنند اشتباه است امروز مملکت به عقل و بی‌غرضی و انصاف و وطنخواهی نیازمند است سیستم اختناق سیستم انگیزسیون و تقشیش عقاید سیستم مبارزه ناجوانمردانه با اندیشه‌ها را باید برای همیشه کنار گذاشت و با زهم آن تجربه‌های بدسرنجام را تجربه نکرد زیرا زمان بقدری با ارزش و حوادث بقدری سریع و وقت بقدری تنگ است که مملکت مجال انجام این تجربه‌های نافرجام را ندارد. براه انداختن فحشی‌نامه‌ها و روزی‌نامه‌ها چه دردی را دوا میکند. موجودیت مملکت بمخاطره افتاده است و مخاطب من در اینجا همه آیات عظام، همه رهبران ملی سیاسی، همه روشنفکران و همه قشرهای جامعه ایران است.

راه‌پیمائی و دادن شعار چه دردی را دوا میکند؟ رسوا کردن کارهای حکومت گذشته و بالا زدن پرده‌ها از روی فضاحت‌ها انجام گرفته است مملکت در خطر تجزیه است مملکت در خطر یک کودتای وحشتناک است. وقتی پادشاه خود را در برابر ملت متعهد قرار داده است حالا ما میخواهیم بکجا برویم آقایان رهبران جامعه بیائید اختلاف نظر‌ها را بکنار بگذارید. چون بهیچ شخص یا دسته‌ای وابسته نیستیم خطاب بهمه رهبران ملی می‌گویم بیائید در این لحظات حساس یک شورای تفاهم تشکیل بدهید و برای نجات مملکت از این بن‌بست چاره‌اندیشی کنید. دولت نظامی مسلماً هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد و بهمین دلیل من باو رأی کیود خواهم داد ولی از آقایان آیات عظام و علمای اعلام بنام یک ایرانی وطنخواه استمداد میکنم ما در برابر نسل‌های آینده مسئول هستیم این گفتارها نمیتواند قابل دوام باشد و ریختن خون هر بیگناهی همه را مسئول قرار میدهد. ابرقدرت‌ها متتهز فرصتی هستند تا این کشور را بنایودی و تجزیه بکشند و آنوقت نه از اسلام خبری باقی میماند و نه از مسلمان و مسلمانی اثری و از آزادی نشانی یک پارچگی و وحدت ملی باید برای حفظ استقلال ایران یعنی تنها کشور شیعه جهان حفظ گردد تنها برقراری یک شورای تفاهم با شرکت همه رهبران برجسته مذهبی و رهبران ملی میتواند راه‌گشای ملت ما از این تنگنای خطرناک باشد.

باید هرچه زودتر قوانین ظالمانه را لغو کرد. باید اراضی مردم را که من غیر حق ملی اعلام کرده‌اند و در اختیار صاحبان قدرت قرار داده‌اند بآنها برگرداند

و تمام کسانی که این ستم‌ها را روا داشته‌اند بحکم عدالت سپرد. جنگل‌ها را که جزو ثروت ملت است و به ایران و وزیران بخشیده‌اند باید به ملت ایران برگردانند. باید مالکیت را محترم شمرد و مدارکی را که به زور از مردم گرفته‌اند پس داد. درباره اصفهان باید عرض کنم تمام منطقه سبزخاطر نابودی قرار گرفته است صنایع بزرگ از قبیل صنایع نظامی هلیکوپتر سازی در حدود هفتاد کارخانه اقمار ذوب آهن، انرژی اتمی، پالایشگاه، دانشگاه صنعتی آریانه مهر، پلی‌اکریل بدون در نظر گرفتن موقع تاریخی اصفهان باین شهر تاریخی تحویل شده، و هویت اصفهان را از بین خواهد برد، تعادل بین صنعت و کشاورزی رعایت نگردیده است و این همه تأسیسات صنعتی بدون توجه به برقراری جاده ترافیک اصفهان را مختل خواهد ساخت در دولت آموزگار این مطالب را گفتم و بدستور ایشان کمیسیون در آن شهر با شرکت نمایندگان اصفهان تشکیل شد که من در همانوقت نیز از جناب ایشان تشکر کردم ولی در اثر بی‌لیاقتی مسؤل استان هیچ نتیجه‌ای نرسیدیم و من در اینجا لازم میدانم از حسن نیت آقای آموزگار قدردانی کنم حالا هم این مطالب مهم را در مورد اصفهان بخصوص در مورد مسائل شهر اصفهان که در اثر بی‌توجهی‌های گذشته دارد بسرنوشت شهر تهران مبتلا میشود یادآور میشوم و اینکه که شهر ما خوشبختانه از وجود یک استاندار لایق و بی‌نظیر و با حسن نیت و یک شهردار فعال و درستکار برخوردار است انتظار دارم که دولت به اصفهان توجه خاص مبذول دارد.

در مورد مسئله ارز باید عرض کنم که تصمیم دولت باینصورت صحیح نیست دود این تصمیمات همیشه بچشم مردم تهنی دست و کم درآمد می‌رود و ملت می‌گوید چرا گذاشتید ثروتمندان و کسانی که بیت‌المال ملت و هستی ملت را غارت کرده‌اند پول‌های مملکت را میلیونها میلیون بصورت ارز از کشور خارج کنند و بعد چنین تضییقاتی را برای خارج ساختن ارز فراهم کنید تا افرادی که فرزندانشان در خارج تحصیل میکنند یا بخارج رفته‌اند یا برای امور ضروری باید از کشور خارج شوند گرفتار مشکل شوند و برای ارزبازار سیاه ایجاد شود تا از این رهگذر هم باز عده‌ای سودجو بهره‌مند شوند در خاتمه امیدوارم هرچه زودتر یک دولت صددرصد ملی که مورد قبول عموم ملت ایران باشد بر سر کار آید و استقلال مملکت حفظ شود و بتوانیم در کنار هم بساختن ایرانی آباد و آزاد بداریم. این بود عرض من، ضمناً همانطور که دوستان و همکاران آقایان دکتر شیروانی و مظهری تأکید کردند

برای من و دوستانم مایه تأسف است که مطالبی از سوی آقای دکتر چهرازی مطرح شد که حق نبود در پارلمان ایران عنوان شود و ما از پشت این تریبون ضمن تعظیم به شعائر مذهبی و اظهار اعتماد و اعتقاد به مراجع تقلید شیعیان جهان اعلام می‌کنیم که مطالب طرح شده از سوی ایشان بهیچوجه مورد تأیید ما نبوده و مایه تأسف است. (احسنت)

رئیس - آقای نظمی بفرمائید.

**علی نظمی** - جناب آقای رئیس، همکاران ارجمند در این موقعیت حساس تاریخی در این برهه از زمان آنچه رابه عنوان یک ایرانی مرا وایم دارد که در برنامه این دولت صحبت کنم نه حسن خودخواهی است و نه اشتیاق بسخن رانی و نه خدای نکرده و صد البته نه که بخواهم از کسی دفاع بی‌مورد بکنم (آفرین) امروز خونهایی که در رگ‌های بدن من بجوش و غلیان آمده و هر قطره آن صدار فریاد میزند: ایران، ایران، ایران، هر ذره خون من به من نسیب میزند که بهوش باش استقلال ایران در خطر است و آن وقت است که تمام وجودم یکپارچه عاشقانه داد میزند: جو ایران نباشد تن من مباد. سرآغاز سخن تیسار ارتشید از هاری هم بود، چه شیرین است سخن را بانام ایران آغاز کردن چه پر عظمت است نام پرافتخار ایران، چه لذت بخش است در راه ایران فداکاری کردن و چه بزرگواری و عظمتی را بدنبال دارد در راه استقلال ایران جان باختن (آفرین) بی‌جهت نیست که تأکید میکنم اضافه میکنم همه سر به سر تن به کشتن دهیم. از آن به که کشور به دشمن دهیم. البته حرف‌های شیرین، سخنان نغز وادی زیاد است اما قصد من گفتن شعار نیست بارها از پشت این تریبون گفته‌ام که دادن شعار بس است و درد مملکت را چاره نمیکند.

**دکتر صدیق اسفندیاری** - خودتان هم که شعار میدید.

**نظمی** - امروز همه ما باید دست بدست هم بدهیم و به ایران فکر کنیم ویرانی فکر کنیم. امروز بیائید کلمات من و تورا تبدیل به کلمه پر عظمت ما بکنیم. بیائید دستهایمان را بهم بدهیم و بشاریم دست دوستی را به خاطر ایران و به خاطر مخاطره‌ای که ایران امروز در آن افتاده است، بیائید دوری‌ها بدینی‌ها و اختلاف سلیقه‌ها را کنار بگذاریم به نزدیکی‌ها، هم‌فکری‌ها و دوستی‌ها تبدیل کنیم. دولتهای مختلف در ادوار مختلف

بر سر کار می‌آیند هر دولت باتوجه به اوضاع و احوال زمان و مکان موقعیت خاصی دارد پربروز آن چنان دولت آمد و دیروز آن چنانی! و امروز این چنینی! من به همه دولت‌ها اعتقاد دارم چرا؟ چون از این مجلس رأی اعتماد گرفته‌اند. مثل بعضی‌ها نمی‌خواهم ذکر مصیبت بگویم چون آنقدر پشت این تریبون از گذشته گفتند و گفتیم که نمی‌دانم چه نتیجه‌ای می‌خواهند بگیرند. بیائید راهنمایی کنید بیائید بخاطر ایران فکری برای ایران بکنید. مهم برنامه دولت نیست من قصد حمله به کسی را ندارم بعضی از دوستان اعلامیه دادند و بعضی‌ها در سخنانشان گفتند که این دولت برنامه‌ای ندارد که ما درباره آن سخن بگوئیم، کار بانجا کشیده است که دولت در چهار کلمه برنامه خودش را خلاصه می‌کند، **کاشفی** - چه برنامه‌ای از امنیت مملکت مهمتر است؟ **نظمی** - استقلال و امنیت و آرامش مملکت، چه بی‌زیر بالاتر از این؟ تأمین آذوقه و ارزاق عمومی، چه مسأله‌ای حیاتی‌تر از این؟ مبارزه بی‌گیری با فساد، چه قصدی بالاتر از این؟، آنوقت است که اضافه می‌کنم بجز این انداختن چرخهای اقتصادی و فرهنگی و کشاورزی مملکت (احسنت) در اینجا بعضی از دوستان و آنهاییکه صحبت در درمورد دولت نظامی و دولت موقت کردند با اعتقاد من جناب از هاری دولت شما یک دولت کاملاً قانونی است (صحیح است) که طبق قانون اساسی بر روی کار آمده‌و اگر از مجلسین بتواند زای اعتماد بگیرد آنوقت است که بر طبق قانون اساسی یک دولت کاملاً قانونی محسوب خواهد شد اطلاق کلمه نظامی برای آنکه چند نفر لباس سربازی پوشیده‌اند صحیح نیست.

**بهارلو** - نظامی‌ها از همه باشرف تر هستند.

**نظمی** - مسأله این نیست که در گذشته بنده یا شما چه لباسی داشتیم، مسأله این نیست که در گذشته چه کارهایی و در چه لباسهایی انجام داده‌ایم، مسأله این است که امروز نحوه عمل ما چی هست اگر شما بانگاه قوه مقننه و احترام به موازات و برای اعتماد بکوسی بشیند یک دولت قانونی بسازید و این حرفها و آنهایی که از دولت نظامی حرف می‌زنند برای مشوب کردن اذهان عمومی است و لا غیر و اما درمورد دولت موقت، این حقیقتی است که هیچ دولتی ابدی نیست شما هم موقت هستید، دولتهای گذشته هم موقتی بودند. **بکنفر از نمایندگان** - دولت هویدا هم موقتی بود!

**عباس میرزائی** - همه موجودات زنده موقتی هستند. **نظمی** - بنده کاری به گذشته‌های خیلی دور ندارم، چون بارها پشت این تریبون صحبت کرده‌ام اما درمورد اینکه تیسار از هاری سرلوحه برنامه شما حفظ و دفاع از تمامیت ارضی ایران است و این صددرصد مورد تأیید تمام افراد وطن پرست ایران است و در اینجا از طرف تمام ملت وطن پرست ایران و از طرف تمام روستائیان و ایلات و عشایر و شهر نشینان و تمام آنهایی که خون ایرانی در بدنشان جریان دارد قول میدهم که برادران سوید و غیر نظامی‌ها با شما همسنگر هستند و نخواهند گذاشت که کسی چشم طمع بخاک ایران بدوزد (احسنت) امروز از حقوق بیگانگان و آنهاییکه همیشه دشمنان ما بودند و آنهاییکه هیچوقت برای ماویه مملکت مافکر نکردند و بمنافع خود فکر کردند صحبت‌هایی می‌شود که برای هز ایرانی وطن پرست کشنده و هزراکین است ما اجازه نخواهیم داد اگر یکی از دوستان اینجا صحبت از ملل مختلف کرد یا صحبت از تجزیه خاک ایران کرد بان سبب نبود که خدای نخواستہ بگوید اینها ایرانی نیستند.

بلکه هر کسی که در خاک مقدس ایران زندگی میکند ایرانی است و بملت ایران وفادار است، همه ما ایرانی هستیم چه گیلکی و چه خراسانی، چه کرد، چه آذربایجانی همه‌مان ایرانی هستیم و همه ما خون ایرانی در بدن داریم و اما چون صحبت آذربایجان شد آذربایجانی هم یکی از اقوام است و من بعنوان یک آذربایجانی با صدای رسا بتمام دنیا می‌گویم:

هر که ما را خواهد از ایران جدا

بند بندش را خدا مازد جدا

(احسنت)

همکاران ارجمند، دوستان عزیز اینجا اگر صحبت‌هایی یکی از دوستان کرد غرض این بود که می‌توانند از لهجه‌های مختلف و زبانهای مختلف و از رنگها و لباسهای مختلف اجابتی که در کمین نشسته‌اند سوء استفاده کنند هدف این بود و دوست عزیز ما زیاد هم بی‌جا نگفته است، نظر جنابعالی بود قدر عاقبت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید، شما این نصیحت را به آذربایجانی‌ها نکند و بگذارید این حرفها را ما بگوئیم هنوز صدای چکمه‌های اجنبی در گوش من طنین انداز است، اینها در کمین نشسته‌اند برای بوجود آوردن همان روزها و می‌خواهند از احساسات پاک جوانان این مملکت



برای پیشبرد مقاصدشان سوء استفاده کنند بعضی ها میگویند معلوم نیست این خارجیها از جان ما چه می خواهند، خیلی معلوم است استقلال ما را می خواهند، امنیت ما را می خواهند نفت و سرمایه ما را می خواهند، بحث ندارد گفتن این حرفها در پارلمان ایران عجیب است شبها رادیو B.B.C چه می گوید .

**عباس میرزائی** - بی بی سی رادیوئی حرامزاده است! **نظمی** - عجب، عجب، صدها عجب، اگر اجنبی می خواهد خاك ایران را تجزیه کند، اگر می خواهد واقعیتها را وارونه جلوه دهد نمی خواهد با کوچک کردن این لقمه جرب و نرم بتواند زودتر و راحت تر بلعد توجه به این نکته مهم است همه ما باید بفریم تا یک نفر خارجی بتواند بر ما تسلط پیدا کند و حکومت کند ولی تجزیه کردن برای بلعیدن ساده تر است این یک امر ثابت شده ای است البته جناب آقای پزشکپور که من احترام خاصی برای ایشان قائل هستم جلسه را ترك کردند

با این اعتراض که صحبتی شده است این صحبت بهمین علت بوده است و نظری جز این نداشته اند ولی جناب پزشکپور بنده می خواهم این واقعیت را عرض کنم که اگر ما جلو این دسائس بیگانگان را نگیریم و اگر نتوانیم مملکت را در راه صحیح هدایت کنیم و اگر وضعی پیش بیاید که تجزیه بشویم یک مقدار زیادش متأسفانه نتیجه اعمال خود ما است که فکرمی کنیم وطن پرستی بی کنیم فکرمی کنیم داریم خدمت می کنیم در حالیکه با شجاعت و شهامت باید قبول کرد و به ملت ایران گفت که دوران عوامفریبی دیگر تمام شد بگذارید واقعیتها گفته شود.

**دکتر شیروانی** - همه گرفتاریها تمام شد؟ همه مشکلات حل شد؟

**نظمی** - اجازه بفرمائید بنده عرایضم را تمام نکنم، متشکرم بگذارید آن هوجبناجالت خارج ما را بی جهت مجذوب و برعوب نکند بگذارید من نظمی از یک گوشه دور افتاده ایران بیایم و حقایق را بیان کنم من بعنوان یک حماسه بعنوان یک خاطره فقط یک مسأله را از عدم آرامش و آسایش و از عدم تجزیه برای تان می گویم و از این مقوله می گذرم موقعیکه قشون اجنبی در خاک آذربایجان بود و ما جرأت بیرون آمدن از خانه را نداشتیم و برای رفتن از شهری به شهری و از دهی به دهی باید از زمانبند قشون اجنبی اجازه می گرفتیم آن روز بود که یک ساله البته شخصی بود ولی بایستی بعنوان یک حماسه اینجا بگویم که پدرم

نذر کرد زیر پای اولین سرباز ایرانی که در رضائیه وارد میشود یکی از پسرانش را قربانی کند و این همان جوانی است که امروز خوشبختانه در سایه امنیت و آسایش و آرامش توانسته در مقابل شما بایستد و سخن بگوید در این موقع آقای نخست وزیر و چند نفر از نمایندگان بشدت متأثر شدند بنده همیشه بی پرده صحبت کرده ام و از هیچ چیز هم ابائی ندارم تیمسار از هاری بیانیید و به مسأله آرامش و نظم و امنیت بیشتر از اینکه گفته اید و عمل می کنید عمل کنید بیانیید با نظم و آرامش و آسایش شوخی نکنید شما و آنها اینکه دست اندز کارند نگذارید مملکت بیشتر از این به آشوب کشیده شود قصد و غرض من این نیست که بگویم فرضاً تعداد زیادی بکشید زبانم لال ولی چنان موضوع را جدی بگیرید که بدانند حکومت نظامی است.

**دکتر شیروانی** - راه مسالمت آمیز انتخاب کنید (همه مه و اعتراض نمایندگان)

**نظمی** - و اگر حکومت نظامی نیست این تانکها را از خیابانها برچینید مسأله دیگری که در برنامه آن به آن اشاره کردید مسأله تأمین مایحتاج عمومی و آسایش عمومی است که مورد تأکید است و باید این مسأله را توجه و جدأ تعقیب بفرمائید ولی تذکر این نکته لازم است که از این بازار آشفته عده ای دارند سوءاستفاده می کنند درست است شما مسائل بالاتر از امنیتی در مملکت دارید که باید اجرا کنید ولی روز بروز دارد قیمت ارزاق در مملکت بالا می رود. نباید آن مسأله ناراضی که ریشه اش را در دولت های گذشته نشانده اند تکرار شود هر روز که می پرسم می گویند قیمت فلان جنس بالا رفته است البته یک دلیل اقتصادی دارد که به آن کاری ندارم معلوم است که اگر کارخانه ای تعطیل شد اگر تولید پائین آمد خود بخود قیمت بالا می رود مسأله عرضه و تقاضا و تولید و مصرف چیزی غیر قابل کنترل است و به زور تانک نمی توانید جلوان را بگیرید ولی گفتم چون شما را یک دولت قانونی می شناسم و طبق قانون اساسی آمده اید باید علاوه بر این مسأله به مسائل دیگر مملکتی هم توجه کنید و از آنها نگذرید مملکت هزار مسأله دارد که الان مهمترین آنها را شما بعنوان برنامه دولت آورده اید ولی بقیه آقایان وزراء که در اینجا نشسته اند مسلمانیکار نخواهند باشند و در مورد این مسأله اقدام خواهند کرد شما اگر توانستید نظم و امنیت را به مملکت بازگردانید مطمئن باشید که خیلی چیزها را برگردانده اید آن وقت است که خواهید توانست اقتصادی سالم که متأسفانه

امروز مریض است کشاورزی سالم که مریض است و نظائر آنها را بکار بیندازید و آن براه انداختن چرخهای اقتصادی و کشاورزی و صنعتی مملکت است که می توانید عملی کنید ولی تا نظم و آرامش نباشد هیچیک از اینکارها را نخواهید توانست انجام داد. باز اجازه بفرمائید یک قدم هم بی پرده تر صحبت کنیم. اینجا پارلمان است متأسفانه الان اگر به خیلی ها صحبت کنید ناراضی اند کارمند ناراضی، راننده ناراضی، کارگر ناراضی،

**یک نفر از نمایندگان** - نمایندگان مجلس هم ناراضی هستند!

**نظمی** - وکیل مجلس هم بقول آقا ناراضی است همه و همه کاسب بازار ناراضی است ولی من میخواهم از همکاران عزیزم بپرسم که نمایندگان ۳۴ میلیون ایرانی هستند آیا این ناراضی تراشها همه اش وزرا بوده اند؟ همه اش را نخست وزیر کرده؟ همه اش را خدای نخواستہ شاه کرده است؟

**قاسم زاده** - نخیر، رادیو بی بی سی گفته است. **خانم بابان** - عوام فریبان کرده اند (احسنت)

**نظمی** - و علاوه بر آن امروز متأسفانه عدم رضایت و مخالف گوئی مد شده است در هر مجلسی بنشینید اگر شما مخالف گوئی نکنید شما را تخطئه می کنند و می گویند از کجا گرفته ای چند گرفته ای در حالیکه آنها نمی گویند که گرفته اند رادیوهای مورد اعتماد خودشان بشما می گویند (احسنت) بهرحال مسئله اینست که استاندارهای زیادی شده هر چیزی حد و حدودی دارد در برنامه دولت گذشته بنده اینجا صحبت کردم و گفتم جناب شریف امامی اجازه ندهید که این آزادیها از حد قانون اساسی بگذرد حتی یادم هست یکی از دوستان دانشمند من که اینجا نمی بینمشان بمن ایراد گرفتند از تو که حقوق خوانده ای بپید بود این صحبت ولی باز هم می گویم ما هیچ آزادی را که بخواهد پافرا تراز حق بگذارد قبول نمی کنیم هیچ شعاری را نمی پذیریم اگر برخلاف قانون اساسی ما باشد (احسنت) مسئله اینست که اینجا دوستان صحبت از آزادی و آزادی مطبوعات کردند با اکثر مطبوعات چی هادوست نزدیک هستم ولی بگذارید واقعیت را بگویم باز هم می گویم که اگر آنها آزادی را در حد قانون اساسی حفظ میکردند امروز هم آزادی را در حد قانون اساسی داشتند بگذارید علیه من اعلامیه صادر بشود... (در این موقع بین آقایان سیفی و اخباری مشاجره ای روی داد که با زنگ و اختطار رئیس ساکت شدند) ولی اگر آروز صحبت های موافق و مخالف را همه

یکجا با هم می نوشتند اگر آروز برای حرفهای تحریک آمیز و جنجالی تیرهای بزرگ نمی زدند اگر بقول یکی از دوستان از آن فیلم نیم ساعته وقایع دانشگاه فقط دو دقیقه اش را در تلویزیون نشان نمی دادند و اگر آروز یکی از دوستان گفت که از شرح حال اینهایی که از زندان بیرون آمدند خون گریستم من هم خون گریستم به عنوان یک آذربایجانی برای زجری که آنها کشیده بودند ولی اینها از صفر قهرمانی ها قهرمان ساختند.

**دکتر دادفر** - ننگ بر این مطبوعات.

**نظمی** - صفر قهرمانی همدست پیشه وری بود موافق تجزیه ایران و خواهان تجزیه ایران و سرهنگ آزاده ای مثل سرهنگ معین آزاد راقطه قطعه کردند بودند شما کارآبدانجا رسانیدند که بگردن اودسته گل آویختند صفر قهرمانی را آذربایجانی خوب میشناسد او در روزنامه های آزاد ما بدانشجویان و جوانان پیام داد و این است معنی آزادی؟ (احسنت) ماملت ایران، نمایندگان ایران آزادی در این خدرا کفر میدانیم (احسنت-احسنت) و اما خودشان چکار کردند در این بازار آشفته به به به....

گر مسلمانی همین است که حافظ دارد و ای اگر از پس امروز بود فردائی (آقرین- احسنت).

**عباس میرزائی** - الحق که آدم حقیقت گوئی هستی.

**نظمی** - بهرحال واقعیت گفته نشد واقعیت نوشته نشد واقعیت منعکس نشد جوانان ما که ۳ سال گذشته یادشان نیست جوانان ما که اصلاً مسئله تجزیه خاک وطن را نمی فهمند چیست آنها شعارهایی دادند مهلک و سم برای تمامیت ایران و اما جناب وزیر دادگستری که حالا بنده کاری با مصاحبه آن شب شما ندارم دیدم که مصاحبه کننده جناب کتر عاملی را آنقدر خواست بیجانند که برای معلمین که کار نکرده اند بگوید پول خواهم داد آنقدر این مرد شریف را شوال بیچ کرد که یک چنین حرفی را از دهانشان بشنود (یکی از نمایندگان - بسیار مصاحبه خوبی بود) کاری ندارم و خوب بودن آن مربوط به سیاست خودشان است با این مصاحبه جناب عالی هم کاری ندارم ولی بنده برخلاف قانون اساسی دادگاه خلق هم تجویز نمی کنم این گوشهای بنده این گوشهای آذری، بنده آذربایجانی هستم خیلی مسائل شنیده این گوشهای بنده با کلمه خلق (یکی از نمایندگان - شعار کمونیست هاست) آن چنان خلقی که می گفتید چنان خوش بین به این شعار نیستیم نه اینکه مدافع خلق نباشیم ولی آنچنانکه گفته میشود دادگاه خلق بر خلاف قوانین اساسی است ولی شما می توانید هر چه زودتر لویجی به

مجلس بیاورید و ما می‌توانیم دوفوریتی یا بهر صورت وطرفی که مجلس صلاح بداند تصویب کنیم. شما می‌توانید اموال افرادی را که از مملکت متواری هستند در ایران مصادره کنید و خیلی مسائل دیگر شما بان سه اصلی که اشاره کردید یا عادی است یا دیوان کفبری است یا وزرا هستند بان قانع نباشید یک شق دیگری بیاورید شق چهارمی در قالب قانون اساسی بیاورید. تا اینکارها را نکنید مردم شما را باور نمی‌کنند ما از شما میخواهیم این دولت در مردم باور ایجاد کند ما میخواهیم این دولت مردم را باین مسئله آگاه بکند که دارد کار انجام میدهد و با فساد مبارزه می‌کند و با فساد مبارزه بی‌امان خواهد کرد (صحیح است) اما باز بشرط اولم برمی‌گردم در بخش دولتی و خصوصاً من کارمند که پرونده‌هایی را در فلان وزارتخانه خودم آتش می‌زنم تا دزدیهایم معلوم نشود کم کاری و اعتصاب! و آن وزیری که میلیاردها دزدیده و آن بازاری که از آشفته بازارها هزار سوءاستفاده کرده و این رشته سردراز دارد. اگر با فساد خوب مبارزه کنند اگر تبعیض را کنار بگذارند یک رضایت نسبی بوجود می‌آید، بنده خودم عدلیه چی هستم ولی در آنطرف قضیه قرار دارم یعنی وکیل نه قاضی پرونده‌هایی هستند که یا ۱۰ سال است خاک می‌خورد ولی فلان پرونده که مربوط به فلان متنفذ بوده فوراً به پرونده‌اش رسیدگی شده البته اصلاحات احتیاج بزمن دارد بالاتر از همه آرامش و امنیت است که خدمتتان عرض کردم (احسن است) مسائل البته خیلی زیاد است ولی فکر می‌کنم و قلم دارد تمام نمیشود.

**بهارلو.** وقت زیاد دارید از وقت ناطق بعدی هم می‌توانید استفاده کنید.

**رئیس.** تعیین وقت با رئیس جلسه است بیست دقیقه دیگر وقت دارید بمطالبتان ادامه بدهید.

**نظمی.** بهرحال جناب وزیر دارائی آن دروازه‌هایی که باز کردند برای ورود اجناس لوکس خارجی بایران امروز از همین دروازه‌ها ارز ایران بیرون رفته است از همین دروازه‌ها دلالتها و مجرمین و متهمین دارند فرار می‌کنند همان دروازه‌های گشاده تا آنجا که فرار کردند با استفاده از قوانین بین‌المللی و من میدانم که اینکار را خواهید کرد. و اگر احياناً کسانی را می‌شناسید که در مظان اتهام هستند چه اشکالی دارد دستور بدهید کسانی که در دوساله اخیر در رأس دستگاهها کار

کرده‌اند فعلاً از خروجشان بهر نحوی از آنها جلو گیری کنند نه اینکه کسی از این مجلس بتواند از در دیگری چنان فرار کند که صدایش را از جزایر خلیج فارس بشنویم (آفرین) جناب آقای اژه‌اری همانطوریکه گفتیم علاوه بر این مسائلی که شما فرمودید مردم درد فراوان دارند مخصوصاً مسائل رفاهی عدالت اجتماعی. خصوصاً ازین بردن تبعیض‌ها و ازین بردن تبعیض‌های استخدا می‌وبه ازین بردن تبعیض‌های شغلی خیلی اهمیت میدهند باین مسائل توجه فرمائید که شاید انشاءالله بتوانیم این کشتی طوفان زده را بزودی بساحل نجات برسانیم مسئله‌ایکه تا امروز زیاد گفته شده است مسئله مسکن است که من فقط گوشزد می‌کنم اصولاً بحث خارج از این مسائل است ولی چون دوستان گفتند اشاره بکنم به مسئله مسکن هم توجه زیادی بشود مسئله‌ای که شاید چندبار پشت همین تریبون گفته‌ام ولی چون دولت و عده‌ای جدید هستند باز هم تکرار می‌کنم. به پیام مستقیم شاهنشاهی ملت ایران توجه کافی بکنید.

**پژشکپور.** آیا شما توجه کرده‌اید؟ (همه‌ها اعتراض نمایندگان).

**رئیس.** یعنی چه؟! نظم را رعایت کنید.

**نظمی.** بنده نه تنها به پیام شاهنشاهی توجه کردم و می‌کنم روزیکه بعضی‌ها اینجا پیشنهاد می‌کردند کلمه سلطنت را از جمله‌ای بزیم آدم از پشت این تریبون جمله‌ای گفتم که همه مرا تحسین کردند. من پیام شاهنشاهی را چنان شنیدم و چنان بازگو می‌کنم و چنان بایشان ارادت دارم که مطمئنم چنانچه اگر مرا شناخته باشید این حرف را از ته دل نگفتید. اگر نشناختید برای من هیچ اهمیت ندارد.

**بکنفر از نمایندگان.** اشتباه کرد.

**نظمی.** شما باید برای اجرای این پیام شاهنشاهی که آنرا در مقابل پیام انقلاب بیان فرمودند برای این پیامی که شاید در تاریخ شاههای جهان نه شاهنشاهی ایران، بی‌نظیر باشد از طریق مستقیم صحبت کردن با ملت آنقدر ترتیب اثر بدهید و آنقدر ارج بگذارید که نتواند بر آن نقصانی بگذارد (آفرین) اینجاست که می‌گویند برخلاف گفته بعضی‌ها در درجه اول فقط نظم و آرامش و امنیت به عهده نیروهای مسلح شاهنشاهی است (آفرین-احسن).

**اخباری.** چماق بدست‌ها کی هستند؟

**سپه‌ای.** آدمهای اخباری! (خنده نمایندگان)  
**نظمی.** قانون اساسی را در مقابل آنهایی که به قانون اساسی احترام می‌گذارند چنان محترم بدارید که همه قبول داشته باشند که شما یک دولت قانونی هستید بالاترین و عزیزترین و عظیم‌ترین منشور ملت ایران قانون اساسی است ولی باز عده‌ای تعبیر نکنند از حد گذراندن از این قانون هم خودش جرم است، در مقابل همین قانون اساسی (احسن) بهرحال رهبر بزرگ ما میثاق خود را با ملت تکرار و تجدید کردند ما هم قسم و تعهد خود را به رژیم شاهنشاهی و قانون اساسی تکرار می‌کنیم (صحیح است-احسن) حق است برای حفظ و جان‌بازی در راه آن خود را آماده بداریم (صحیح است) ولی تیسار زنهار، اجازه ندهید بی‌پرده می‌گویم کسانی اعمالی انجام دهند و خود را در زیر سایه این شاهنشاهی بزرگ ما که برای ملت یک مقام مقدس و یک مقام معصوم است (صحیح است) پنهان کنند و طوری بکنند که حمله تیز تمام دشمنان ایران متوجه آن مقام شامخ باشد، سوءاستفاده‌ها را کردند و گفتیم و گفته‌اید و شاید باز هم در اینجا تکرار بشود ولی هیچکس هیچ نشانه‌ای و خبری ندید، فقط همه حمله‌ها متوجه شخص شاه بود چه اولاً یک برنامه ریخته شده و عقیده من تنظیم شده از قبل بود.

**دکتر فروزین.** برنامه‌ای تنظیم شده توسط کمونیست‌ها بود.

**نظمی.** توسط آنهایی که استقلال ایران را نمی‌توانند ببینند ولی نگذارید عده‌ای برای مشوب کردن اذهان عمومی مخصوصاً برای اینکه جوانان ما را از آن جاده اصلی منحرف سازند خدای ناخواسته مسائل را ارتباط به آن مقام شامخ بدهند

**قاسم‌زاده.** همه این کارها را رادیو بی. بی. سی می‌کند. (خنده نمایندگان)

**نظمی.** و بگویند فرموده و بعرض رسیده، باز هم تکرار می‌کنم من خیانتی بالاتر از این نمیدانم که شما اینجا بگویند فرموده شاه اینکار را کردم، شما مسئول اعمال خود هستید و دولت شما مسئول است و باید مسئولیت را در این موقعیت خطیر قبول کنید شاهنشاهی ما بزی از اینها هستند (صحیح است) بحال سخن آخرم را عرض میکنم، سخن آخر من این است که همانطور که عرض کردم میدانید تمام این حمله‌ها بطرف شاهنشاهی است، چرا یک تجزیه و تحلیل کوچک برای این رژیم شاهنشاهی و شاهنشاهی ایران حافظ و ضامن استقلال ایران است، اگر

روزی خدای ناگردد زمانه لال این رژیم شاهنشاهی در ایران نباشد، مسلماً تجزیه طلبان یک دقیقه برای کسی فرصت نمیدهند، آنها که فکر می‌کنند برخلاف این رژیم رژیم‌هایی تشکیل میدهند و خود حکومت خواهند کرد در اشتباه محض هستند و روزی این پرده برداشته خواهد شد و آنجاست که حقایق عریان دیده خواهد شد و معلوم میشود دست چه کسی از این آستین‌ها بدر آمده و حالا چون ایران و خاک ایران عظمت ایران و استقلال ایران و عدم تجزیه ایران بستگی به شاهنشاهی ما دارد نگذارید این رژیم را ما بهر طریقی که هست خدای نخواسته کوچک بکنیم و بیاوریم باین باید در حفظ آن همه شما و همه ما و همه ملت بکوشیم چه اگر شاهنشاهی ازین برود خاکی برای ما باقی نخواهد ماند و خاکی که به سر زغصه بسر خاک اگر کنم

خاک وطن که رفت چه خاکی بسر کنم

آوخ کلاه نیست وطن تا که از سرم

برداشتم فکر کلاه دگر کنم، متشکرم

و بنده از طرف فراکسیون آزاد صحبت کردم (آفرین-احسن).

**رئیس.** آقای پژشکپور فرمائید.

**پژشکپور.** همکاران گرامی، خانها و آقایان، من در

آغاز سخنان خود در این جلسه پراهمیت مجلس شورای ملی، زیراجله‌ای است که در یکی از مقاطع خاص زمانی از تاریخ و پیمان تشکیل گردیده است، و از صبح تا به حال شنیدم که مطالبی بیان شده است، بهرحال ناچار هستم از طرف خودم و از طرف نمایندگان پان ایرانیست و چنین اندیشه میکنم از سوی دیگر نمایندگان اقلیت که در این دوره با یکدیگر همگامی‌هایی داشته و داریم وجه بسا دیگر نمایندگان محترم مجلس شورای ملی مطالبی را عرض کنم، نخستین نکته این است که بنام نماینده مجلس شورای ملی، نسبت به بی‌تلفاتی‌هایی که از طرف برخی نمایندگان به رکن چهارم مشروطیت ایران شده است پوزش میخواهم (آفرین-احسن) من اطمینان دارم تاریخ ایران سهم و رسالت بزرگی را که بمطبوعات ایران در دفاع از حاکمیت و آزادی وحدت و فرهنگ ملی داشته‌اید هرگز از یاد نمی‌برد.

**رئیس.** جناب پژشکپور مطبوعات رکن چهارم مشروطیت و همیشه مورد توجه و تأیید مجلس بوده‌اند و خواهند بود.

**پژشکپور.** من قصدم همین بود که فرمودید نکته دوم اینست که مادر آغاز هر بحثی اصولاً در زیر آسمان نیلگونی رنگ ایران زمین، باید در یک نکته وحدت نظر داشته باشیم

این وحدت نظر عبارت از این حقیقت تاریخی واجتماعی است که مادر سراسر ایران زمین، یک ملت داریم «ملت ایران» (صحیح است) و آن این است که ما در سراسر ایران زمین چه در آنچه که امروز در این محدوده سیاسی هست و چه آنچه که به نظر من ایرانی آزاده پان ایرانیست در سراسر آن ایران زمینی که تاریخ میثناسد هست، ما اثر و نشانی جز قومیت و فرهنگ ایرانی نمی بینیم (صحیح است). بی گمان من کرد نیستم، اما این حق را به کردها میدهم که آنها نخستین و پیشگام برپائی و ایجاد این ایران یگانه و سرفراز بوده اند و هستند (احسن).

**اجاقی** - خوشم آمد آقای پزشکپور!

**پزشکپور** - و بنام یک ایرانی به هیچکس این رخصت زانمیدهم که حتی تصور کند که در هر گوشه ای از این سرزمین بزرگ و مینهن مقدس جز ملت ایران جز قومیت ایرانی و فرهنگ ایرانی چیز دیگری وجود داشته باشد پس بعنوان یکی از نمایندگان خوزستان بیان میکنم که خوزستان از کانونهای جاودانی فرهنگ ایران زمین است، از تکیه گاههای موجودیت ملت ایران است و ما در خوزستان جز قومیت ایرانی چیزی دیگر نداریم (صحیح است) همچنان ما میرسیم به سرزمین بلوچهای دلیر، آنها که سرزمین آنان پایگاه داستانهای حماسی ملت ماست فردوسی حماسه سرای بزرگ ملت ما وقتی خواست چکیده فرهنگ و موجودیت ایران را در گروهی از ایرانیان متجلی نماید آنرا بین قوم بلوچ پیدا کرد، چنین است راز مهم پیوستگی همه گروههای ملت بزرگ ایران با یکدیگر: بنابراین ما نیز در مجلس شورای ملی، باید با چنین دید و قاطعیت و استحکامی از وحدت ایران بزرگ سخن بگوئیم (آفرین، آفرین) اگر من فریاد برداشتم آقای نظمی، آن فریاد شخص من نبود، بلکه فریاد یک ایرانی بود که نمی توانست چنین سخنانی را که توفه چنڈ گانگی ملت ایران باشد بشنود. نکته سوم اینکه، آنچه در ماههای اخیر گذشت و میگردد انقلاب عظیم ملت ایران بود و هست به سه سال و اندی در این مجلس گذشت. همه بودیم، همه آمدیم اینجا بیان کردیم نگرانیها را، نابسامانیها را، ظلم ها و ستم ها را. اما آقای نظمی همینجا بمن گفتند عوامفریب! نتیجه چه شد؟

**بکنفر از نمایندگان** - امروز هم گفتند.

**دکتر صدیقی اسفندیاری** - و مرتب گفتند طبق فرمان و فرموده.....

**پزشکپور** - بله، گفتند و نتیجه چه شد؟ وقتی در تبریز

در انتخابات سنایش کمتر از سه هزار رأی بصندوق ریخته شد، وقتی در انتخابات میان دوره ای تهران کمتر از هفت هزار رأی بصندوق ریختند، من اعلام خطر کردم، ولی بعضی آقایان در اینجا فریاد زدند که آقا! عوامفریبی مکن! وقتی در تبریز آن حادثه ناگوار رخ داد و مردم قیام کردند و من در اینجا مطالبی بیان کردم و وزیر مشاور در امور پارلمانی وقت آمد اینجا و گفت تعدادی بیگانه از آنسوی مرز آمده بودند و این آشوبها را پیا کردند! و وقتی ما اعتراض کردیم باز گفتند عوامفریب! بله، حوادث آنروز ادامه پیدا کرد تا رسید به اینجا. خانها و آقایان، هیأت محترم دولت: آن وقایع که گذشت ابتدا عدم رضایت بود، بعد عصیان شد، بعد طغیان و بطور قطع امروز در جایگاه مقدس انقلاب ایران نشسته است، این را باید همه ما قبول کنیم، اگر قبول نکنیم دیگر نمی توانیم تحولات زمان را درک کنیم. اگر قبول نکنیم، آنوقت نمی دانیم که باید از چه نقطه ای حرکت کنیم. اگر قبول نکنیم آقای نظمی عزیز! بدانید که آنوقت متأسفم که پشت این تریبون بگویم، باید منتظر وقوع مخاطرات عظیمی باشیم. ولی ما پان ایرانیست ها در برابر آن مخاطرات خواهیم ایستاد (دکتر طبیب صحیح است) و مثل گذشته از وجب بوجب خاك ایران دفاع خواهیم کرد (چند نفر از نمایندگان همه دفاع خواهیم کرد) ما فریب نمی خوریم، نمی آئیم به مملکت و مردم مملکت دروغ بگوئیم. این کار را نمی کنیم به اعمال چنین دولتی تنها در این دوره نیست، دودوره پیش مادر مجلس شورای ملی بودیم، در دودوره پیش هم گفتیم. جالب است! آقایان من این عادات را ندارم که بگویم شما دو دوره پیش کف می زدید و برای هویداها ابراز احساسات میکردید، چرا حالا این حرف را می گوئید؟ چه بسا در این لحظه لا اقل آگاه شده باشید برخی از شما شاید بودید، که در گذشته هم مدام آنچه را که امروز مسبب تیره روزیهای ماست، اساس و بنیان تیره روزیهای امروز است، آمدیم و در پشت همین تریبون مشخص نمودیم و گفتیم، آمدیم و راجع به مسائل سیاسی مملکت، راجع به مسئله تجزیه ناپذیر بودن حاکمیت ملی بیان مطلب نمودیم، آن مسأله حاکمیت ملی که ما از آن سخن گفتیم مسأله کوچکی نبود مربوط به یکی از قطعات سرزمین مینهن ما بود ولی با ما چه کردند؟ و با این مصلحت اندیشی ها و ایران پرستی ها و درست اندیشی های ما چه کردند؟! بنابراین من، خانها و آقایان، بسیار متأسفم. در مورد مسئولیت، گفته شد که مگر فقط دولت

مسئول است؟ مگر فقط مجلسین مسئولند؟ من صریحاً عرض می کنم که، در تاریخ هر ملت فقط فقط هیئت حاکمه با همه ی کلیت آن، مسئول است، این حکم بدون چون و چرای تاریخ و اجتماع است. و جز این، هر توجیهی تنها برای سلب مسئولیت است. به همین دلیل است که در مواقع مختلف هم زیاد گفته ام و حالا هم تکرار می کنم که دادگاه خلق ولی جناب نظمی اگر از آن اصطلاح خوششان نمی آید اعتقاد به یک دادگاه ملی دارم که از بالا گرفته تا به سطوح پائین پرونده همه مسئولان اداری و غیر اداری در هر موقع و موضعی باشند رسیدگی نماید

**اجاقی** - باید هر چه زودتر اینکار را کرد و الله دارد دیر میشود، دارند فرار می کنند، نمی توان که زنجیر پایشان بست پس هر چه زودتر بگیرید و اگر مقصود مجازات کنید.

**پزشکپور** - بله، اگر دیر شود بخدا مخاطرات دیگری هم در کمین خواهد بود و خطرات دیگری هم پیش می آید. از این مقدمات میگذرم. تیمسار: من اصولاً نمیدانم دولت جناب عالی را چه خطاب کنم؟ شاید اگر از اعماق دل من بپرسید من اصولاً دوست نداشتم بنام یک ایرانی، در این موضع، در این کابینه که همان کابینه سابق است و اسبق است و اسبق حضور داشته باشید بهر حال، شاید پیوند ملت ایران با ارتش ایران، ارتشی که می بایست مدافع مرزهای ایران باشد، مدافع سرزمینها و حقوق ملی ایران باشد چنین است که شاید بتواند روزی ملت بیدار بار دیگر بدان جایگاه قرار گیرد که به این شعار دیرین تحقق بخشیم که: «نیز مردان ایران دور از ایران زمین میگذشت» این چه موقع است؟ من به شما بعنوان یک سپاهی این پیام را میفرستم. چه مدت است که نیزه مردان رزم آور ما نه تنها دور از مرزهای ما نمیگذرد بلکه این نیزه ها و گلوله های رزم آوران ما در داخل سرزمین های ما بکار برده میشود این برای هر ایرانی غمی بزرگ است اینست آن اندوه بزرگ جناب نظمی! باید این مسأله را جستجو کرد.

**دادفر** - سربازانی که در غرب در مرز شط العرب پاسداری میکردند ایرانی نبودند؟

**پزشکپور** - آگاه هستم جناب دادفر و آنها هم که آگاه هستند و آری من می دانم که میگویم! بنابراین بیش از دو بیست سال است جناب دکتر چهارزی که تشریف ندارند و جناب نظمی، سیاستهایی که من در بحث برنامه دولت اسبق بیان کردم و در بحث برنامه دولت آقای شریف امامی بیان داشتم یعنی چگونگی موجودیت

و اثرات آن مثلث شوم هیأت حاکمه را توضیح دادم و توجیه کردم که این مثلث شوم عبارت است از مثلثی که تشکیل میشود از سه ضلع: انترناسیونالیست های راست، انترناسیونالیست های چپ و ضلع سوم آن غارتگران داخلی و چپاولگران به یت مال عمومی، از دو بیست سال گذشته قانون هم همواره همینطور بوده است امپریالیسم روس است در دست امپریالیسم انگلوسا کسون و دست در دست غارتگران و خود کامگان داخلی بر موجودیت این ملت تاختند، سرزمینهای ما را تجزیه کردند و منابع ما را به غارت بردند و ما را به این روز نشاندهند (صحیح است، احسن) امروز هم درست همان برنامه است، همان برنامه استمرار پیدا کرده تا به امروز رسیده است. آقای نظمی این روزنامه ها نبودند که مردم را برانگیختند، این اختناق بود، این فساد بود این بدین سبب بود که کسانیکه علیه وحدت ملی و حاکمیت ملی ما برخاسته بودند و در توطئه های تجزیه طلبی دست داشتند، هیأت های حاکمه آنها را آوردند و روی ضدلیهای وزارت و وکالت و دیگر پایگاههای مهم اجتماعی نشاندهند. (احسن)

**دادفر** - این فرمایش حضرتعالی صحیح است.

**رحیمی لاریجانی** - کاملاً صحیح میفرمائید.

**پزشکپور** - طغیان مردم ناشی از این است که کسانیکه اعتقادی به وحدت ایران نداشتند، اعتقادی به فرهنگ و موجودیت ملت ایران نداشتند و در برابر ملت و مملکت مسئولیتی احساس نمی کردند، این مملکت را در چنگ گرفتند. بخصوص در این پانزده سال اخیر که بسیار این اختناق و خود کامگی و غارتگری شدیدتر بود. تیمسار! دولتی را که خود جناب عالی دولت موقت نظامی اعلام کردید دولتی است که این دولت از نظر خط مشی هایش، از نظر ترکیب اکثریت قریب باتفاق اعضای کابینه اش چه آنها که مستقیماً در کابینه های گذشته مشارکت داشته اند و چه آنها که سالهای متوالی در پست های معاونت وزیر یعنی در سطح رهبری دستگاههای اجرایی بودند لا محاله دنباله ی همان دولت های گذشته است. شاید به همین دلیل است که خود شما عنوان کردید دولت موقت. به همین مناسبت است که من و دیگر دوستان اقلیت در آن جلسه اول که دولت رابه مجلس معرفی کردید به جلسه نیاندم، زیرا حدوث واقعه جدیدی را ندیدیم و اعتراض ما سخن ما با آقای شریف امامی هم همین مسأله بود. اسم دولتشان را گذاشتند دولت آشتی ملی ولی از نظر خصوصیات و ترکیب کابینه

نحوه کار و خطمشی ها همان دولت سابق و اسبق بود. که  
ایکاش این فرصت را در جامعه ما درمی یافتند و یکاش  
بموقع تغییرات و دگرگونی های انسانی بوجود می آوردیم و  
آنوقت با بسیاری از این خونریزیها روبرو نمیشدیم. بنابر  
این از نظر ما هیأت دولت شما همان ترکیب دولت های  
سابق و اسبق است، من وقتی لیست اعضای کابینه  
شما را بررسی کردم دیدم در این لیست لااقل چهارده نفر  
عضو کابینه های گذشته بودند و پنج نفر درست های  
معاونت وزراء درسه دولت گذشته قرار داشتند! در نتیجه  
تصدیق میفرمائید چنین کابینه ای رانمی توان کابینه  
جدید تلقی کرد.

**مجتبائی** - چه عیبی دارد؟

**پزشکپور** - اگر می پذیرید نحوه عمل دولت های  
سابق و اسبق را که حرفی نیست ولی من بشخصه نمیپذیرم  
و بنابرین بنظر من عیب است. و اما در برنامه مختصر دولت  
که به مجلس تقدیم شده است در قسمت دوم مقدمه این برنامه  
که در واقع دو قسمت دوم و سوم اصل برنامه را دربردارد،  
ذکر شده است که این دولت همانطور که در کمال قدرت  
و جدیت در برقراری امنیت از نیروی انتظامی و ارتش  
شاهنشاهی استفاده میکند. با همان شدت کسانی را که  
دمل نارضایتی را ایجاد کرده اند هر درجه و مقامی که  
داشته و دارند دستگیر و به دستگاه عدالت سپرده میشوند  
این سخن، سخنی است که تا بخاطر من است بخصوص از  
نظر تعقیب فساد و فاسد، از زمان دولت هویدا شنیده ایم  
تا به امروز نتیجه ای که  
تاکنون در برابر داریم اینست که عملاً از نظر قضائی  
اقدامی نشده است.

**نواب صفا** - صحیح است.

**پزشکپور** - من در این باره ضرورتی نمی بینم که  
درباره آنچه که به روزگار این ملت آوردند سخن بگویم  
خود شما در برنامه تان به دمل های ایجاد کننده این عدم  
رضایت اشارت کردید و چنین اشارتی یک گزارش  
رسمی و سند رسمی است که به مجلس شورای ملی تقدیم  
شده است و من فکر میکنم در این باره هیچکس تردید نداشته باشد  
که یکی از جهات عمده و بنیادی و ایجاد این نابسامانیهای مآلاً  
این گشتار مآلاً این حوادث تجاوزاتی است که به بیت المال  
مملکت و حقوق عمومی و اصول قانون اساسی مملکت شده است  
اما اولاً من اختلاف نظری دارم در مورد تعریف امنیت.  
من امنیت را صرفاً عبارت از آتش گشودن بروی مردم،  
بزدن کشیدن مردم، تبعید مردم و اقداماتی از این قبیل  
نمیدانم. این آن تعریفی است که شاید سالها است هیئت

کردید؟ از من نپرسید که چه میبایست بکنید، من میدانم  
چه میبایست می کردید. باور کنید اگر من بودم میدانستم  
چه میبایست کرد ولی با شماست که در مقام دولت  
مسئول با وجود آنکه بر آن عنوان موقت را داشته است  
این اقدامات را در بایده و آن عمل کنید از مهمترین مسائل  
هدفهای نهضت ملت ایران، تعقیب و مجازات سریع  
متجاوزین به بیت المال مملکت و متجاوزین به حقوق  
عمومی و متعرضین به مصالح ملی است. تیمسار، لطفاً  
بفرمائید در مملکتی که همه میدانند نظارت دستگاههای  
اطلاعاتی و انتظامی تا بدان حد است که حتی بقول معروف  
بتوانند حرکت و پرواز یک پرنده را در هر گوشه ای بررسی  
کنند، چگونه علی رضائی که تا دوشنبه بقول خودش  
دو برخی جلسات آنجنانی میهن پرستانه! شرکت میکرد،  
بناگهان از کشور گریخت؟! جناب آقای دکتر نجفی،  
گزارشات دادگستری و دستگاههای انتظامی که  
میدانستند پرونده سلب مصونیت آقای یاسینی در چه  
روزی در مجلس مطرح است، پس چرا در اطراف مجلس  
مأمورینی را نگماردند تا یاسینی را پس از سلب مصونیت  
دستگیر نمایند

**رفعی** - از در غربی رفته است.

**پزشکپور** - چطور اجازه داده شد کسی که مدتها مسئولیت  
پر درآمدترین شرکت دولتی را بعهده داشت، کسی که سالهای  
متعدد در کابینه های گذشته عضویت و مسئولیت های  
بی چون و چرا داشت، بناگهان مملکت را ترک گوید؟  
نتیجه آنکه، این عوامل متعددی و متجاوز بحقوق عمومی و  
مصالح ملی میلیونها و بلکه میلیاردها دلار از غارت درآمد  
مملکت را با خود برداشتند و بردند!

تیمسار، بفرمائید مردم با دیدن این شواهد که تعداد  
آن بسیار و بسیار است چگونه قضاوت خواهند کرد و چه  
امیدی به انجام هدفهای نهضت و انقلابی که بخاطر آن  
خونهای بسیار ریخته شده است خواهند داشت؟! آیا  
تعداد متعددی و متجاوزین به بیت المال مملکت و حقوق  
اساسی مردم و مصالح ملت همین تعداد انگشت شماری  
هست که بازداشت کرده اید؟! جناب نجفی شما در  
مصاحبه رادیو تلویزیونی خود فرمودید که چنین و چنان  
و در واقع برای تعقیب و مجازات این معدود بازداشت شدگان  
که همه میدانند چگونه سالها بر هیچ یک از مصالح ملی  
و درآمد ملی و حیثیت ملی ابقا نکردند، ده ها مشکل  
را مطرح کردید! عجباً، حقیقت این است که من مایوس  
اشدم بعقیده من با این مقدماتی که فراهم شده است،  
چه بسا چندی بعد آنها را باسلام و صلوات بخواهند آزاد

کنند! طرح این مسائل اکنون که ضرورت تعقیب  
و مجازات سریع عناصر دولتهای مسئول گذشته مطرح است  
موردی ندارد و برای مردم جز ایجاد یأس نتیجه ای  
نخواهد داشت. جناب نجفی، هم جنابعالی و هم خاننها  
آقایان بهتر از من به مقررات و قوانین جزائی ایران آگاهی  
دارید. اقدامات و اعمال این بازداشت شدگان و گروه  
وسیع دیگر که مسئولیتهای نابسامانیهای ملی را بعهده  
دارند و باید در مسیر انقلاب و نهضت مردم ایران تحت  
پیگرد قرار گیرند و مجازات شوند، مشمول آن عناوین  
قانونی از جرائم است که هرگز پیگرد و مجازات آنها  
نیازی باین همه تردید و دودلی و مته به خشخاش  
گذاشتن ندارد.

من اکنون چند مورد رایبان میکنم. نخست آنکه،  
اعمال و اقدامات مجرمانه عوامل دولتها و هیئت های  
حاکمهای که مسئول حوادث سالهای گذشته بوده اند و  
بسیاری از آنها نیز اکنون در سمت های مهم اجرائی و  
غیر اجرائی قرار دارند، مشمول ماده ۴ قانون مجازات  
مقدمین بر علیه امنیت و استقلال مملکت میباشد.

تیمسار از هاری، مگر نه آنکه طی سالهای متعادی  
بسیاری از جوانان بیگانه بارها باستاند این قانون، حتی  
بخاطر مطالعه یک کتاب، در دادگاههای نظامی محاکمه  
نمودند و به مجازاتهای حبسی و چه بسا اعدام محکوم  
نمودند؟ آنها که غالباً یا گاهی مرتکب نشده بودند یا  
اگر بفرض اقدام خلاف نظم عمومی هم مرتکب شده  
بودند در چنان حد و مستوجب تحمیل چنان مجازاتهایی  
نبود. حال چگونه است، کسانی که واقعاً اقدامات آنها  
علیه امنیت و استقلال مملکت بوده است، کسانی که  
خود کامگی ها، قانون شکنی ها، غارت ها و اقدامات ضد  
نظام اجتماعی و ضد مصالح ملی آنان امنیت و استقلال  
ملی ملو مورد تهدید آشکار قرار داد، بسراغ آنها  
نمیروید؟ برای اینکه موضوع دقیق تر روشن گردد، من متین  
ماده ۲ قانون مزبور را قرائت میکنم که چنین است:  
«... هر کس بنحوی از اجزاء برای جدا کردن قسمتی از  
ایران یا برای لطمه وارد آمدن به تمامیت یا استقلال آن  
اقدام نماید به حبس مؤبد با اعمال شاقه محکوم خواهد  
شد...» من به استناد این ماده میگویم، تمامی اعضای  
کابینه هویدا در گذشته و اعضای کابینه های دیگر به  
جهت مسئولیت مشترکی که داشته اند باید باستاند این  
ماده تحت محاکمه قرار گیرند و مجازات شوند.  
این تنها سخن من نیست، این سخن ملت ایران

است، آتھائی کہ میخواهند فقط بعنوان سوءاستفاده مالی مسئولان هیئت حاکمہی سالھای گذشتہ ایران را مورد پیگرد قرار دهند، آشکارا اقدامات ضد ملی امنیت ملی را کہ آنها مرتکب شدہ و میشوند، پنهان میدارند و این اقدام صریحاً معارض با خواست ملی و هدف نهضت جامعہ ایرانی است.

گذشتہ از مادہ ۲ قانون یاد شدہ، نظر شمارا بمواد ۸۲ و ۸۳ قانون مجازات عمومی جلب میکنم.

مادہ ۸۲ قانون مجازات عمومی میگوید: «هریک از وزراء و اعضای پارلمان و صاحب منصبان و مأمورین دولتی کہ برضد حکومت قیام نماید یا حکم قیام را بدہد محکوم باعدام است»

مادہ ۸۳ قانون مزبور میگوید: «هریک از اشخاص مذکور در مادہ قبل کہ برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا افراد ملت را از حقوقی کہ قانون اساسی بآنها دادہ محروم نماید از شغل خود منفصل و از پنج تا دس سال از حقوق اجتماعی محروم خواهد شد». ولی جناب نجفی، این نکته را باید تذکر دہم کہ هرگز منظور مقنن از قیام مذکورہ در مادہ ۸۲، قیام مسلحانہ نیست، بلکہ منظور هرگونه اقدامی است کہ بہ منزله قیام و مخالفت آشکار و علنی با حکومت ملی و یا اصول حکومت ملی باشد. زیرا در مادہ ۳ قانون مقدمین علیہ استقلال مملکت آورده شدہ است کہ ہرگاہ ہرکس با مشارکت یا مستقلاً برضد مملکت ایران «مسلحانہ قیام» نماید محکوم باعدام شود.

البتہ من اینجا نمیخواہم درس حقوق بدہم، بلکہ میخواہم مواردی را بیان کنم کہ مشخص شود ہم اکنون این گروہ با زداشت شدگان از شخص ہویدا گرفته تا سایرین و گروہی دیگر کہ بطور قطع باید در مسیرنہضت ملت مامورد پیگرد و مجازات قرار گیرند باستناد مقررات قوانین موجود میتوانند و باید کہ سریعاً محاکمہ و باشد مجازات محکوم بشوند.

بنابرین سننم است کہ وقتی مقنن دواصلاح «قیام مسلحانہ» و «قیام» را برضد حکومت ملی بیان مینماید، در آن مورد کہ از قیام وزراء و نمایندگان پارلمان و صاحب منصبان دولتی برضد حکومت سخن میگوید، منظور اقدامات خلاف مصلحت ملی و ناقض حقوق اساسی است کہ از ناحیہ آنها بروز میکند.

آقای دکتر الموتی، می بینم کہ خندہ ای خاص میکنید! حق ہم دارید. بہرحال برای مثال بیان میکنم، از نظر من

کسانی کہ لوابی امثال لوابی مصونیت اتباع آمریکائی ویا لوابی دیگر از این قبیل را از تعقیب مراجع قضائی ایران کہ در واقع لایحہ تجدید کاپیتولاسیون است بہ مجلس تقدیم کردند و کسانی کہ بہ لایحہ مزبور ویا لوابی از آن قبیل رأی دادند، بہ نوعی قیام و اقدام علیہ حکومت ملی و استقلال ملی ببادرت نمودہ اند. بہ عقیدہ من کسانی کہ بنا بہ مصاحبہ جناب دکتر نجفی موجبات تضعیف قوہ قضائیه افراہم کردند و عملاً استقلال قوہ قضائیه را بہرنحوی از انحاء مخدوش و متزلزل نمودند، عملاً برخلاف قانون اساسی و حکومت ملی اقدام نمودہ اند.

مجتبائی - اعلامیہ ای در مورد دفاع از آقای دکتر سنجایی چہ بود؟

پزشکپور - خیلی ممنون ہستم کہ یاد آور شدید، اعلامیہ نبود، تذکر نامہ بود، آنہم در مورد اعتراض بہ بازداشت کسانی کہ کوشش های سیاسی دارند، در مسیر همان طریقی بود کہ «زیر عنوان «آزادی زندانیان سیاسی و واعادہ حیثیت قضائی آنان» کہ باالھام از انقلاب ملت ایران با تفاق دیگر دوستان اقلیت با طیب خاطر تقدیم مجلس نمودیم و خانم ها و آقایان ہم، فوریت آن طرح را با تفاق آراء تصویب نمودید و خود جناب عالی ہم آقای الموتی تشریف آوردید پشت تریبون و داد سخن دادید! (دکتر الموتی - البتہ، افتخار میکنم) بہرحال، جناب الموتی، من ہنوز ہم اعتقاد دارم کہ بجای زندانیان سیاسی باید زندانها، از زدہا و غارتگران پر شود.

دانشی - شما از کسی دفاع می کنید کہ علیہ نظام شاہنشاهی قیام کرد.

پزشکپور - این داورها با ملت ایران است کہ داوری کردہ است و خواهد کرد. اما بہرحال من تعجب میکنم، چگونہ برخی از نمایندگان مجلس بہ محض اینکه من مواردی را بیان کردم در مورد اینکه چرا این گروہ متجاوزان بہ حقوق عمومی و مقدمین واقعی علیہ امنیت و استقلال ملی را تعقیب و محاکمہ سریع نمیکند، صدای اعتراض آنها برخاستہ شد!

دانشی - شما خائن ہستید، من با کسانی کہ با نظام شاہنشاهی مخالف باشند مخالفم.

پزشکپور - مردم ایران و تاریخ در مورد من و دیگران داوری کردہ و میکنند بہ ہر حال، من بخوبی میدانم، با بیان این حقایق چہ مخاطراتی مرا و ہر مہین پرست واقعی دیگر را تهدید می کند و خواهد کرد، ولی جناب دکتر نجفی، آنچه را

ملی ہستیم، برای حفظ تمامیت ایران، برای حفظ موجودیت ملی و رسیدن بہ آرمانهای ملی. اما این بسیج ملی هرگز با شعار تحقق نمی یابد. امنیت ملی صرفاً با انجام اینگونه اقدامات کہ نتیجہ آن کشتار و ایجاد نابسامانیهای بسیار است حاصل نخواہد شد. من اکنون نمیخواہم، نمایندگان را آزرده خاطر کنم، تلگرافهای متعددی کہ از شہرستانهای گوناگون از قبیل: آبادان - آمل - بابل - مشهد - دزفول - کرمانشاہان - خرم آباد - بوشہر - خرمشہر - سنج - شوش - اندیشک رضائیه - تبریز - یزد - لاهیجان - ساری - ہمدان - قم و بسیار مناطق دیگر برای من رسیدہ است کہ بیان آن مثنوی ہفتاد من کاغذ خواہد شد کہ ہمگی حاکی از وقوع حوادث غم انگیز و نابسامانیهای بسیار میباشد.

بہرحال، من بعنوان یکی از نمایندگان ملت ایران، مسئولیت دارم این نکته را بیان کنم، در چنان وضع بحرانی قرار دارم کہ براساسی اکنون از دیدہ خون میگیرم. جلالیان - مگر تو کہ هستی؟

پزشکپور - چرا ما باید در شرایطی باشیم کہ ہر سیاست خارجی بخود اجازہ دہد برای ما پیام بفرستد و تعیین تکلیف کند، بچہ مناسبت کارتر برای ماچنان پیامی بفرستد کہ نوعی مداخلہ در امور ما میباشد بچہ مناسبت وزیر خارجه انگلیس بخود اجازہ میدہد کہ آنچنان دربارہ ملت ما اظهار نظر کند، بچہ مناسبت برژنف بہ بیان نوعی پیام مداخلہ آمیز در امور ملت ما بادت می نماید؟ امروز جامعہی ایرانی باید بیش از ہرنگام بیدار و آگاہ و متشکل باشد. خانم ها و آقایان حمایت های مستقیم و غیر مستقیم، آشکار و غیر آشکار از کسانی کہ طی سالهای متعددی بزرگترین لطمات را بر بیکر ملت ایران وارد آوردند، ثروت ملی را بیغما بردند، عظیم ترین درآمد نفتی ایران را حیف و میل نمودند و مہترین سالهای تاریخ و زندگی ملت ایران را بہدر دادند لطمات جبران ناپذیر دیگری بر ملت ایران وارد خواہد آورد. (گروہی از نمایندگان) جناب د کتر سعید، اگر ایشان بہ زندانی آنها راضی ہستند، ما بہ اعدام آنها راضی ہستیم.

پزشکپور - نیستید، نیستید. (گروہی از نمایندگان - ہستیم) رئیس - اجازہ فرمائید حرفشان را بزنند. پزشکپور - بہرحال وظیفہ ملی من بود کہ این مطالب را بیان کنم.

دھقان نژاد - اگر دولت نظامی نبود من و شما الان زندہ نبودیم!

کہ بیان داشتیم نص صریح قوانین است. شما کہ گفتید مبارزہ قاطع و سرسختانہ با فاسدان و متجاوزین بہ حقوق عمومی باید بشود - برای انجام این محاکمات و برای تعقیب و محاکمہ و مجازات چنین مجرمینی این قوانین وجود دارد و چہ بسا می بایست بسیاری از کسانی تحت تعقیب قرار گیرند.

من بار دیگر اینجا تکرار میکنم کہ آرزو دارم برسند روزی کہ دادگاہ ملی تشکیل شود، تا ہمہی کسانی کہ در این مملکت مسولیت هائی در ہر سطح و موضعی داشته اند پروندہ و اعمالشان مورد رسیدگی و محاکمہ و داوری ملت ایران قرار گیرد.

بہرحال جناب نجفی، اکنون ملت ایران با انجام یک سلسلہ اقداماتی از سوی مسئولان در دولت های متعدد گذشتہ روبرو است کہ غالباً مشمول مقررات جزائی است کہ پارہ ای از آن را بیان داشتیم، قیام علیہ حکومت ملی - قیام علیہ استقلال ملی - قیام علیہ تمامیت ایران قیام علیہ اصول قانون اساسی - تجاوز بہ بیت المال مملکت اینها مواردی چند از اقدامات و جرائم عمومی است کہ از ناحیہ عناصر ہیئت های حاکمہ طی سالهای متعددی بوقوع پیوستہ است. نمی بایست بھنج عذر و بہانہ برای تعقیب و مجازات این گروہ تعلق و تسامح شود. من اطمینان دارم اگر یک بار بجای مبارزان سیاسی، بجای دانشجویان و جوانان بی گناہ این گروہ مجرمین ہیئت حاکمہ باستناد قانون مجازات مقدمین علیہ امنیت مملکت حتی در دادگاہهای نظامی سریعاً محاکمہ شوند و بہ مجازات برسند آن وقت ملت ایران تا حدی امنیت خاطر را باز خواہد یافت.

دانشی - بہ حساب لاجوردی ہم باید برسید.

پزشکپور - من با ہر کسی کہ بہ ہر ذرہ از حقوق ملت ایران لطمہ زدہ است، یا ہر کسی کہ آھیانا بہ ہر طریق بہ بیت المال مملکت تجاوز نمودہ باشد یا نماید مبارزہ خواہم کرد و معتمد باید محاکمہ شود و باید اموال چنین کسانی بسطود ملت مصادره گردد.

مجتبائی - دربارہ مصاحبہ دکتر سنجایی فرمائید کہ نتیجہ اش چیست؟

پزشکپور - آقای مجتبائی، از نطق و بازجویی نشسته جناب عالی سیاستگزارم!

مجتبائی - از حرف های بی اساس شما متشکرم. پزشکپور - علی ایحال، خانمها و آقایان مادر شریطی از زمان ہستیم کہ نیاز مبرم داریم بدارک رسالت ملی و تلاش در راہ وحدت و آزادی ملی - ما نیازمند بہ بسیج

پزشکپور - و دوباره تکرار همان مطالب است و درس نگرفتن از مطالب گذشته و اگر می‌خواهید که ما در برابر حوادث مقابله کنیم که باید بکنیم، اگر می‌خواهید که ملت ما یک پارچه باشد و هر توطئه ضد ایرانی را درهم بشکند بطور قطع تمام ریشه‌های فساد و نابسامانی باید قطع بشود. بطور قطع همه متجاوزین به بیت‌المال مملکت و متجاوزین به حقوق عمومی باید سریعاً محاکمه و مجازات شوند، جناب نجفی اگر فکر می‌کنید که بخواهید بروید و بعداً لایحه بیاورید، من پیشنهاد اینست جنابعالی این کار و سمت را ببینید و بگذارید کنار.

اجاق - آنوقت بقیه هم فرار می‌کنند و میروند.

پزشکپور - والا تیمسار از هاری اگر قزلباش باشد که راه‌جز این هم نیست آنچه بیان داشتیم موارد و متکای مجازات و تعقیب اینهاست. شما این‌ها را تعقیب و مجازات کنید بگذارید ملت ایران این گروه متجاوزین و خائنان را بالای چوبه دار یا در برابر جوخه آتش به بیند (صحیح است) آنوقت لازم نخواهد بود جوان خرسهری، سندی و دانشجو و غیره را به گلوله بندید. (ظفری - با این دادگستری نمیشود) این بود حرف و سخن من، آنچه مسلم است من و دیگر مبارزان پان ایرانیست، همچنان با دل‌های خونین و غمبار و با اعتقاد به یگانگی ملت ایران و سرزمین ایرانیان، با اعتقاد به اصول تجزیه ناپذیر قانون اساسی ما با اعتقاد به لزوم استقرار عدالت اجتماعی و مبارزه با ظلم و فساد و غارتگری و خیانت، در همان موضع اصیل ملی مبارزات خود را دنبال میکنیم ما تا واپسین دم، از این ملت، از این سرزمین و از فرهنگ والای ایرانی دفاع خواهیم نمود.

این بود پیام ما پیامی که پیام هر عنصر میهن‌خواه و آزاده و مبارز ضد استعمار و ضد استثمار است. (احسن است. احسن است)

۳- تقدیم تذکر به دولت راجع به تیراندازی در سخن حرم حضرت امام رضا (ع) بوسیله آقای عباس اخباری رئیس - آقای اخباری فرمایشی دارید بفرمائید.

اخباری - شب گذشته خونریزی فجیعی در حرم مطهر حضرت رضا (ع) انجام شده است در این مورد تذکری است بدولت که تقدیم مقام ریاست میشود.

رئیس - تذکر بدولت ابلاغ میشود.

(دنباله بحث و بررسی راجع به برنامه دولت تیمسار ارتشید غلامرضا از هاری).

رئیس - آقای دکتر اربابی بفرمائید.

دکتر اربابی - جناب آقای رئیس همکاران محترم خانمها و آقایان شاید برای من مشکل باشد که بعد از آن همه شورو

هیجان که در مجلس بود بتوانم با آرامش افکارم را بیان کنم من به همه همکارانم که در این مکان مقدس برای وطن عزیزمان برای ایران عزیزمان برای آرمانهای مقدسمان احساسات پاک شان را ابراز کردند درود می‌فرستم شاید یک نماینده نباید این حرف را بزند ولی من به شهادت آنچه که در صورت مذاکرات جلسات مجلس شورای ملی در این سه سال و اندی بوسیله نمایندگان گفته شده است نگاه کنید می‌خواهم بگویم که این مجلس . مجلس سرافراز و موفق است که همکاران من از پشت این تریبون به نفع مردم در جهت مصالح ملت، در جهت تحقق آرمانهای بزرگ ملت شریف ایران همه گفتمی‌ها را گفته‌اند و میگویند درود می‌فرستم به نمایندگان و گذشتگان خودمان در گذشته‌ها در این صدلیها نشسته و سنت پارلمانی جالبی بوجود آورده‌اند که در جلسات علنی مجلس تمام گفته‌های نمایندگان بطور کامل در صورت مذاکرات نوشته میشود جستجو در لابلای این نوشته‌ها می‌تواند نشانه‌هایی را بدست دهد که دلایل حقیقی کارنامه درخشان این مجلس باشد که تمام حقایق و نارسائیه‌ها را با یک حس وطن پرستی و شانه دوستی و آرمان خواهی تاکنون گفته‌اند و امیدوار هستیم تا آخرین لحظه مأموریت خودش در این راه توفیق یابند ما از دشمنان ایران صحبت کردیم هیچکدام از همکاران نگفتند آیا تنها ایران است که دشمنانی دارد یا کشورهای دیگر هم هستند؟ من اعتقاد دارم که به لحاظ مکان جغرافیائی وطن ما به لحاظ منابع سرشاری که در این خاک مقدس است ما بیش از همه در این دنیا دشمن داریم چند نفر از امرای ارتش در دولت و در این جا تشریف دارند به اتکای علوم استراتژی تأیید خواهند کرد که چرا استعمار سرخ متوجه ایران بوده و هست به دلیل مکان جغرافیائی خاص وطن ما به دلیل اینکه از این راه به دریای آزاد راه پیدا میشود و چرا استعمار امپریالیستی در مسیر زمانی تاریخ طولانی همیشه متوجه ایران بوده است و همیشه برای تضعیف وطن ما کوشیده است برای اینکه منابع سرشاری بویژه نفت که در این خاک مقدس است مورد نیاز آنهاست بیاید به ایران بنگریم و دوباره بیاندیشیم ببینیم که ایران ما در چه موقعیتی هست زمانی که نفت مملکت بدون دخالت اراده ملی مورد استفاده چپالوگران بود آن موقع گرفتاری نداشتیم ولی حالا وطن و ملت مادر موقعیتی است که هر تصمیمی در مورد نفت گرفته میشود در زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشورهای بزرگ جهان مؤثر می‌افتد آن‌ها نمی‌خواهند ما را قدرتمند ببینند آن‌ها نمی‌توانند ببینند که سی و پنج میلیون مردم شریف ایران بیش از این جمعیت در

حدود دوازده میلیون نفر درس می‌خوانند آن‌ها ایران را رادوست ندارند که صد و پنجاه هزار نفر دانشجو دارند آن‌ها ایران ورزیم ایران رادوست ندارند، آن‌ها ایران آشفته را دوست دارند که تا می‌توانند سیاست‌های استعماری خود را پیاده کنند در بیست سال اخیر ملت ما به رهبری رهبر اندیشمندان به موفقیت‌های بزرگی دست یافت این موفقیت‌ها بنحوی انجام گرفت که شتاب آن در هیچکدام از کشورها سابقه ندارد ولی این موفقیت‌ها به نفع دشمن ما نبود آنها نمی‌توانستند تحمل بکنند که ایران با این آهنگ پیشرفت بکند پس لازم بود که یک برنامه‌هایی را پیاده بکنند در جریان این پیشرفت همانطور که از هر گونه فعالیت حیاتی یک ملت که مثل فعالیت یک سلول زنده است در این فعالیت سمومی ایجاد شد این سموم همان فساد است که ما از آن صحبت می‌کنیم این سموم ترمزی بود در راه پیشرفت وطن ما و این در راه خواست دشمنان ما بود که موجودیت این سموم را حمایت می‌کردند همه ما میدانیم که چه اندیشه‌های اصیل در پانزده سال اخیر برای پیاده شدن آماده شده است نظام روستائی کشور ما در حالی بود که منافع یک اقلیتی را تأمین میکرد اکثریت مورد استثمار اقلیت قرار گرفته بودند، نظامی بود که در آن افراد با سواد بعد کافی نداشتیم، نظامی بود که در آن بهداشت ما ناچیز بود تضادهائی در جامعه حاکم بود. این تضادها با الهام از افکار شاهنشاه و با همت ملت ایران شروع شد که از بین برود، ملت ایران آرزوهای بزرگ و امیدهای بزرگ در روبروی خود داشتند ولی یک مرتبه متوجه شدند که فتودالیسم ارضی از روستاها ریشه کن شد و در شهرها تبدیل به فتودالیسم مسکن شد، و فتودالیسم روستائی از بین رفت و فتودالیسم شهری جانشین آن شد در نتیجه اگر ما بخواهیم که علت را بشکافیم حالا ما می‌بینیم که ملت ایران دست به یک انقلاب فرهنگی زده است، در آن انقلاب که مورد تأیید رهبر ماست گفته میشود که ملت ایران علیه ظلم و ستم و بر علیه تبعیض و فساد قیام کرده است این یک عملی بود که می‌خواهد مسیر واقعی ما را درست کند و حرکت ما را تسریع کند ولی استعمارگران و کسانی که نمی‌خواهند ایران قوی و نیرومند باشد فوراً دست بکار شدند و خواستند قیام فرهنگی ملت ایران را به یک نحوی دیگر جلوه بدهند شاید شنیدید که در دانشگاه در تهران همان دانشگاهی که عده کثیری از شماها هم در آنجا درس خوانده‌اید همان دانشگاهی که

دکتر اربابی - همان‌هایی بودند که اسشان عوامل

استعمار است و من اسم آنها را ایادی استعمار می‌گذارم

آن‌هایی بودند که نمی‌خواستند نمایش سیاسی ایران به

یک تحوه سالم به دنیا عرضه بشود آن‌ها میخواستند که

با این آتش‌سوزی‌ها و با این خرابکاری‌ها بگویند که

ایران شایسته آزادی نیست ولی در نهاد این ملت و در

گذشته بر افتخار این ملت آزادی هست ایرانی آزاده

است و آزادی را دوست دارد در نظام ایرانیان یعنی در

نظام فرهنگی ما آزادی هست و بوده است و آزادی ارزش

والائی هم دارد ولی با تقضای هر زمانی کیفیت و کمیت آزادی

متفاوت بوده است من درباره برنامه دولتی صحبت می‌کنم

که در رأس آن یک سرباز سرافراز قرار دارد سربازانی که

موهای سرشان را در راه خدمت به این آب و خاک سفید

کرده‌اند من برای شما تیمسار احترام قائل هستم و به همه

سربازان وطنم درود می‌فرستم، در تمام دوران عمرم یعنی

در این ۳۷ سال عمرم که زندگی کرده‌ام دوسال آن را

در خدمت به عنوان افسر وظیفه بوده‌ام و این دوران را

بهترین دوران عمر خود میدانم و همیشه آرزو کرده‌ام

که ایکاش یک صدم این کار و نظمی که در ارتش ما

وجود دارد در سایر دستگاه‌های اجرائی وجود داشت و

اعتقاد دارم در این لحظه حساس مملکت بیشتر از همیشه

به این انضباط احتیاج داریم و به نوعی آزادی احتیاج

داریم که در آن انضباط هم باشد. حالا چگونه آزادی

می‌خواهیم بیایید ایران را دوباره بشناسیم، ما حالا در ایران ایرانیانی رودر روی خودمان قرار داده‌ایم که دوازده میلیون نفر فرهنگی هستند ایرانیانی هستند که دیگر رعیت نیستند و آن افراد سابق نیستند ایرانیانی هستند که احساس ناراضی می‌کنند ولی از آرمان‌ها ناراضی نیستند مشکل ما مشکل آرمانی نیست، آرمان‌های ما معلوم است آرمان‌های ایرانی معلوم است نظام شاهنشاهی محور باورهای فرهنگی ماست، ماکمبود آرمان نداریم ما جامعه سرافرازی باید در خانواده بین المللی باشیم احتیاجات ما و گرفتاری‌های ما ناشی از اشتباهات و ناشی از اختلاف سلیقه‌هاست، هر کی روی کار آمد هر کی مسؤل شد خواست سلیقه خودش را پیاده کند، انسان‌ها خواهند رفت، و انسان‌های دیگری خواهند آمد ولی ایران خواهد ماند ما باید به اصول بیندیشیم ما باید به این بیندیشیم که هر انسانی در هر موضعی که قرار گرفت باید بداند چه باید بکند، به یک سیاست‌های باثبات احتیاج داریم گرفتاری ما در اداره این مملکت در گذشته این بود که به مرور زمان ارزش کار، ارزش اندیشه ارزش شایستگی از بین رفت و ترمند شدن، نام‌آور شدن، مقام بدست آوردن‌ها که انگیزه تلاش بود بهر معیار یک اصول غلط قرار گرفت من بارها از خودم می‌پرسم یک بچه شش‌ساله را که برای ثبت نام به مدرسه می‌بریم می‌خواهند که دفترچه بهداشتی داشته باشد و ضوابطی برای ثبت نام این بچه هست، من بارها از خودم می‌پرسم که مقامات حساس و سمت‌های حساس در این مملکت اغلب ما نمیدانیم براساس چه ضابطه‌ای افراد این سمت‌ها را احراز می‌کنند، اینجاست که باید به اصول بیندیشیم، بقول یکی از همکاران که از قول مرحوم تقی زاده بیان می‌کند، استدعا می‌کنم به این گفتار گوش کنید، مرحوم تقی زاده گویا سفیر دولت ایران در انگلستان بوده‌است در زمان وزارت امور خارجه آیدن، نقل می‌کند، البته شنیدم و همان طوریان می‌کنم، نقل می‌کند که تقی زاده قرار بوده یک روز با وزیر امور خارجه انگلستان ملاقات کند طبق پروتکل و قرارداد تشریفاتی سفارتها نظر خودش را می‌گوید ولی برخلاف متداول جوابی دریافت نمی‌کند این درخواست از طرف سفیر ایران و عدم توجه از طرف وزیر امور خارجه وقت انگلیس بارها تکرار میشود نامه می‌نویسند جواب داده نمیشود شادروان تقی زاده گویا نوشته است پس از مدت‌ها که در یک میهمانی دیپلماتیک از دو روزی امور خارجه انگلیس را می‌بیند و خودش را آماده

صحبت می‌کند می‌بیند که وزیر سرش را برمی‌گرداند و آماده نیست که با او روبرو شود او هم بر می‌گردد و سکوت می‌کند و بسیار آزاده خاطر میشود بعد از مدتی از طرف وزیر امور خارجه به آقای تقی زاده تلفن میشود که عالیجناب هر موقع می‌خواهید تشریف بیاورید و صحبت کنید ایشان تعجب می‌کنند که چرا چندین ماه بود که من اصرار می‌کردم و با بی‌اعتنائی روبرو میشدم اما حالا خودشان پیش قدم شدند بهر حال ملاقات رسمی انجام می‌گیرد آقای تقی زاده بازگو می‌کند که در روزی میز وزیر وقت یک ورق کاغذ بود و یک سدا دو وقتی خواستم صحبت کنم گفتند خواهش می‌کنم که صبر کنید زنگی رازدند آقای وارد شد با سویی سفید و با پرونده و مدارک در دستش وارد شد و روبروی آقای تقی زاده نشست و گفت که هر مطلبی که شما دارید با ایشان صحبت کنید گفتیم من با شما وزیر خارجه کار دارم نه با ایشان، گفت ایشان متخصص امور ایران هستند هر نوع که کار دارید با ایشان صحبت کنید و من فقط گوش می‌کنم، آقای تقی زاده بیان می‌کند که من مطالبی که می‌خواستم مطرح کنم کردم، آقا جواب داد و من هم کاملا راضی شدم ولی یک لحظه احساس شرمندگی کردم که آیا اطلاعات ایشان در مورد ایران بیشتر است یا من سفیر ایران؟ و بعد موقعی که مذاکره تمام شد من خواستم با خود وزیر مذاکراتی نمایم ایشان گفت اگر در مورد ایران بوده باشد زنگ بزنم تا کارشناس مربوطه دوباره حاضر شود ولی من اظهار کردم که از خود شما مطالبی می‌خواهم پرسیدم جناب وزیر همراه کارشناس امور ایران جوانی هم حضور داشت که مذاکرات ما را می‌نوشت ایشان چه وظیفه‌ئی دارند وزیر امور خارجه گفت علت اینکه مدتی است شما را برای ملاقات نتوانسته‌ایم بپذیریم این بود که کارشناس امور ایران در مرخصی بود صبر کردیم او از مرخصی برگردد تا شما تشریف بیاورید. و اما در مورد این آقای جوان می‌پرسید وی تحصیلات ایران شناسی دارد و مدت‌هاست استخدام شده است و در زیر دست کارشناس قدیمی ما مشغول خدمت است بعد از دو سال که کارمند مزبور بازنشسته خواهد شد این کارمند جوان بجای او خواهد نشست شادروان تقی زاده می‌گوید در این لحظه بفر فرود رتم که در انگلستان چقدر کارهای مملکت بر اصول صحیحی استوار هست و چقدر به دانش و تخصص و تجربه در انجام کارها و احراز مسؤلیت‌های مملکتی احترام گذاشته میشود و باتکاء همین روش‌های منطقی است که می‌توان امور

اجتماعی کشور بخوبی و با موفقیت بانجام رسانید. قربان اگر ما می‌بینیم بعضی از کشورها موفق هستند تصادفی نیست رویه‌ها، اندیشه‌ها، مشی‌ها، سنتهای خوب اینها ثروت‌های معنوی کشورها هستند. من سن زیادی ندارم و خوشحال میشوم که اگر به یک مقامی برسم ولی واقعا مخالف این مطلب هستم در دولتهای گذشته ما دیدیم که واقعا چقدر کارهای مهم را به جوانها دادند و جوانگرائی افراطی بوجود آمد چقدر ارزش تجربه و دانش را نادیده گرفتند چقدر شغل‌های بی‌مورد بوجود آمد اگر سؤال می‌شد که چرا فلان کس وزیر یا معاون او شد می‌گفتند که مرد خوب یا انسان خوبی است ولی باید این موضوع را در نظر گرفت که مقام وزارت یا وکالت و مقامهای حساس مملکت برای فرد نیست برای ملت و مملکت است برای کار مردم است این افراد مسئولند باید تفکر کافی و اندیشه کافی داشته باشند تبحر کافی داشته باشند آرامش فکری داشته باشند تا بتوانند کار مردم را انجام بدهند. در نتیجه این سهل انگاریها بود که ارزش کار و اندیشه بمرور از بین رفت، مقاطعه‌کاری، داد و ستدهای توأم با عملیات ناصحیح، بورس بازی زمین، بحران مسکن، ماده صدها، مراتع و مسائل جنگل، بازنشسته شدن زودرس کارمندان سیاستهای اشتباه و غلط، سیاستهای نارسا، بی‌عدالتی، غیر عادلانه بودجه در مناطق جغرافیائی ایران، خود نمائیا، خود کامگی‌ها، حکومت سلیقه‌های فردی جامعه ما را با اینجا کشانید اکنون دیگر ایران ایران نیست سال پیش نیست ایرانی که امروز در آن لااقل تا ۱۰ میلیون نفر افراد، تحصیلات دبستانی و دبیرستانی و دانشگاهی داریم اینها می‌پرسند چرا؟ ملت ایران هرگز قدر شناس نیست همیشه بخدمتگزاران خودش قدر دان است ملت ایران چرا شاهنشاه خود را دوست دارد چون ما یک نظام شاهنشاهی داریم، یک شخص شاهنشاه، نظام شاهنشاهی محور نظام فرهنگی ماست ولی شخصیت استثنائی شخص شاهنشاه باین نظام ابعاد تازه‌ای داده‌اند تمام سیاستمداران و تمام کسانی که در امور کشور داری در جهان امروز تجربه و تبحر دارند و تمام کشورداران کنونی کشورها را بیایند روی کاغذ بیاورید و ببینید کدامیک از اینها تجربه سی و هشت ساله دارند تجارب شاهنشاه دیگر تنها مال ایران نیست مال تمام دنیاست برای اینکه سی و هشت سال تجربه سیاسی دارند این انسان برای دنیا ارزشمند است من اینجا روی عوامفریبی نمی‌گویم

من از دیدگاه علمی می‌گویم من هیچ رهبری را نمی‌شناسم که اندیشه‌هایش این چنین امیل و علمی باشد (صحیح است) است (است) و اما در مورد برنامه دولت حاضر باید بگویم که اگر شاهنشاه روزه ۱ آبان خطاب به ملت ایران این بیانیه تاریخی خودشان را نمی‌دادند تیسار من با جرات می‌گویم شما نمی‌توانستید از این مجلس، رأی اعتماد بگیرید باید عرض کنم که این مجلس مجلس استثنائی است من در بیوگرافی و در شرح حال زندگی اکثر همکارانم مطالعه کرده‌ام در این مجلس از تمام گروهها از تمام طبقات و تمام سلیقه‌ها که در پلت ما وجود دارد نماینده وجود دارد این مجلس دانشگاه ایران شناسی است ما در دانشگاه به ۱۹ ساعت درس یک واحد اطلاق می‌کنیم ما تا کنون در مجلس ۱۹۷ جلسه چهار ساعته داشته‌ایم شاید عده‌ای از همکاران ما تحصیلات رسمی دانشگاهی نداشته باشند ولی بقدری درد مردم را می‌شناسند که آرزو می‌کنم شما باین گفته‌ها با جان و دل گوش کنید تا نظرات نمایندگان بتواند در کارها شما را یاری کند شاهنشاه در بیانیه تاریخی خودشان به نکات بسیار مهمی اشاره کرده‌اند شاهنشاه امیدهای بسیار بزرگی بملت خود داده‌اند شما که در این مرحله کوتاه می‌خواهید گذشته کشور را به آینده آن پیوند بدهید مسئولیتی بس بزرگ در عهده دارید شما باید مواد این بیانیه شاهنشاه را طرح کار خود قرار بدهید از این بیانیه الهام بگیرید اگر این بیانیه نبوده ملت ایران آرام نمی‌گرفت من بعنوان یک دانشگاهی گریستم موقعی که دیدم خون عده‌ای از دانشجویان و جوانان مملکت ما برخاک مقدس دانشگاه ریخت این را چه کسی خواست دشمنان ایران خوانستند سرنیزه‌های سربازان صدیق که رودر روی مردم شریف ایران و دانشجویان ما بود باید رودر روی دشمنان ما قرار بگیرد ولی استعمار اینرا خواست که یک حالتی بوجود بیاید و باین مکان مقدس یعنی دانشگاه تیراندازی بشود استعمار خواست که بانکها و مغازه‌ها و مراکز فرهنگی با تیش کشیده شود ولی باید بعقل آن بیندیشیم باید ببینیم که ریشه این ناراضی مردم در کجاست باید با فکر عمومی احترام بگذاریم باید به نظریات ملت احترام بگذاریم ملت را بحساب بیاوریم باید کاری کنید که سکوت توأم باترس آنگه در میان ملت هست تبدیل به محبت و اعتماد بشود نمیتوانید با سرنیزه امنیت را برای همیشه برقرار دارید دهید. باید وضع به حالت طبیعی برگردد عرض کردم باید ایران را دوباره بشناسیم،

تیمسار جنابعالی موقعیکه سه ساله بود یدشاید فکر کنید کلیه کسانیکه حالا سه ساله هستند مثل سه سالگی شما فکری کنند اکنون شیوه زندگی مردم دنیادگرگون شده از شما جابجا شده است انتظارات مردم وسعت پیدا کرده است پس سیاستهای اجرایی باید دگرگون بشود اگر شما سنت گرا باشید و بگویند وزیر باید همانطور کار کند که چندسال پیش کاری کرده است این مردم قبول ندارند اگر ما بگوییم که همانطور که نمایندگان ۲۰ سال پیش کار میکردند کار بکنیم دیگر این مردم قبول ندارند با دگرگون شدن شیوه های زندگی در تمام دنیا اندیشه ها دگرگون شده است وقت آن دیگر گذشته است که به مردم بی اعتنائی بشود دریغ می دانم که به چند نکته اشاره کنم شایعاتی بین مردم هست که بعد از آزاد شدن زندانیان سیاسی همه ما به بزرگی روح شاهمان آگاه هستیم این نشانه ای از روح بزرگ آن مرد هست که چنین موهبتی آزادی را بآن افراد احتمالاً مجرم داد زندانیان سیاسی از زندانها بیرون آمدند همانروز که بیرون آمدند دانشگاه تهران مرکز ثقل سخنرانیهای سیاسی بود سخنرانی ها کردند مطبوعات نوشتند زندانیان اظهار کردند که شکنجه های شدیدی در زندانها دیده اند من تحصیلات حقوق ندارم باید جناب وزیر دادگستری اظهار نظر کنند من نمیدانم برای شکنجه مایک محل قانونی داریم چقدر موضوع شکنجه زندانیان سیاسی راست است آیا سازمان اطلاعات و امنیت کشوری که سازمان قانونی است تماماً قانونی طبق قانون برای یک هدف معین بوجود آمده است افکار عمومی متوجه این شایعات است حتی اگر یک هزارم این حرفها هم درست باشد...

توقع دارم مقامات مسئول اگر شایعه هست تکذیب کنند اگر واقعیت دارد این یک عیب فرهنگی است باید ازین ببریم نگذاریم آنها تیکه داعیه حقوق بشر را بلند کرده اند و سنگ حقوق بشر را بسینه می زنند به کشور ما ایراد بگیرند اینجا سرزمین آریائی است نباید مردم کشور ما ایراد فرهنگی بگیرند و اگر نبوده به مردم بگویند دروغ است و اگر بوده است دولت شما باید این مسأله را قطعاً بررسی و مردم پاسخ گوید اینجا اشاره شد زمانی بود که سلواک برای خواندن یک کتاب معمولی افرادی را گرفتند سحا که وزندانی کردند ولی در این دو سه ماه تمام این کتابها تجدید چاپ و منتشر شد، این یک بام و دو هوا را شما چطور تفسیر می کنید... اگر این کتابها بد بود چرا گذاشتید آزادانه چاپ شود اگر بد نبود چرا مدت طولانی اختناق بوجود آوردید، اینهاست که زبانهای معنوی مردم و باحسانات مردم میزند و اینهاست که گرفتار مسکن،

گرفتار ترافیک، گرفتار کمبود درآمد و بالا آمدن هزینه و گرفتار تبعیض و پارتی بازی ها و رفتارهای معیوب مسئولین امر، یک آدم بازمینه ناراضی موقعیکه دسته راه افتاد او هم دنبال آنسته می رود و نمی داند آن دسته برای چی راه افتاده و به کجا می رود، آنجاست که شیشه ها را می شکنند و بانکها را آتش میزنند زبانهای مالی را می شود تا این کرد تمام بانکها سوخت ولی اکنون بهتر از سابق هم تعمیر شده و زیباتر هم شده، خدا را شکر امکانات را داریم ولی تیمسار محترم زبانهای معنوی و ذهنی و اندیشه ای را نمی شود فوراً جبران کرد، ما باین می اندیشیم و همه ما گفتیم که استعمار گران و دشمنان ایران این کار را می کنند جناب مرشد وزیر بهداری تأیید خواهند فرمود که اگر یک ارگانسی از بدن مستعد نباشد میکرب بان وارد نمیشود ولی اگر میکرب وارد شد بدن قوی دفاع میکند و اگر اندیشه های ضد ملی بکشور وارد شد پس مصونیت سیاسی و ملی و آریائی ما تضعیف شده است این را باید تجزیه کرد، شما کاری بکنید کسانی که کتاب مارکس و مارکسیست را می خوانند بعد از خواندن آن کتاب بفهمند که ایران چی است ولی متأسفانه در تقویت نظام اندیشه ای و تفکری ملت ایران اقدامات ناچیزی شده است، خوشحالم که جناب دکتر عاملی تشریف آوردند جناب دکتر عاملی همکار عزیز و سابق ما شما اندیشه های بسیار اصلی را در گذشته و حال داشتید و دارید و معتقد بگردش آزاد اندیشه ها بودید و هستید، این اختناق را در رادیو و تلویزیون و مطبوعات چگونه تفسیر می کنید، مگر مطبوعات ما رکن چهارم مشروطیت نیست چرا تعطیل است، شاهنشاه در نطق ۱۰ مهرماه در افتتاح دوره مقننه می فرمایند در زمینه اطلاعات و ارتباط جمعی سیاست دولت باید بموازات توسعه کمی و کیفی این وسائل در جهت منافع ملی تقویت دموکراسی و باز سازی آن در جامعه و توسعه رشد سیاسی و فکری باشد، من اعتقاد دارم که بنیادهای مطبوعاتی ما آقدر باید تقویت بشوند که خود خودشان را اداره کنند، همان تزی که آقای دکتر عاملی فرمودند باید نظامی بوجود بیاید که خود روزنامه نگاران خودشان را هدایت بکنند و ما آرزو می کنیم که اینطور باشد، در روز هائسی که دولت

سرکار آمد من باماشین خودم از مجلس می رفتم، صدای تیر بگویم رسید در همان لحظه به رادیو گوش میدادم رادیو ایران می گفت امروز اوضاع در لبنان نا آرام است، و در بعضی از مناطق بیروت تک تیراندازی بگوش می رسد و از تلفات هنوز اطلاعی ما نرسیده است، من تعجب کردم صدای تیر در تهران بگوش می رسید ولی در رادیوی ایران اخبار ما را نمی گویند و اخبار لبنان را می گویند، قربان باید کسانی آنجا به نشینند و آقدر آریائی و خواهی و غرور ملی داشته باشند و وطن پرست باشند و آقدر دانش در کار خودشان داشته باشند که بدانند که چه حرفی را باید بزنند و چه حرفی را نباید بزنند اگر سلیقه ها حاکم باشند باز اختناق بوجود خواهد آمد و من با توجه باین حقایق و با توجه باین مشکل سیاسی کنونی وطن ما راه حلی که شما اتخاذ کرده اید یعنی به مهمترین مسأله موجود پرداخته اید یعنی ایجاد آرامش و امنیت یعنی مواظبت از تداوم استقلال کشور موضع شما و راه شما و نقطه حرکت شما بسیار صحیح و منطقی است و با مطالبی که در بیانیه شاهنشاه آریامهر آمده است مجلس شورای ملی قطعاً حامی شما است قطعاً شما از همکاریهای پارلمانی ایران برخوردار خواهید بود شما برنامۀ خودتان را خیلی خلاصه ارائه داده اید ولی وظیفه تان خیلی سنگین است ما برنامه های بسیاری با انشاءهای خوبی ایجاد کردیم ما به آنها عادت کردیم من بعنوان یک دانشگاهی که این برنامه را خواندم دیدم که در آن به اساسی ترین مطلب اشاره کرده اند ولی تیمسار محترم استقلال وطن ما را شما نخست وزیر و ۲۳ وزیر تنها حفظ نمی کنید ۳۰۰ میلیون انسان ایرانی در مقابل این وظیفه جان خود را فدا می کنند اگر ما به مقدسات ملی خود پای بند هستیم اگر افتخار می کنیم که ایرانی هستیم غیر از این نمی توانیم باشیم این کشور آریائی و بزرگی همیشه خواهد بود ما آرزو می کنیم اتحادمان بیشتر بشود، آرزو می کنیم که سلیقه های سیاسی ما همانطوریکه شاهنشاه فرمودند هرا ایرانی حق دارد و باید در تحقق سلیقه سیاسی خودش برفع مردم دربر آوردن وظائف ملی خودمان کوشا باشیم و برفع مصالح ملی استفاده کنیم ولی تیمسار محترم تا اعتماد مردم جلب نشود تا این ترس تبدیل به محبت نشود آن آریائیهائی که آن ایده های تیکه در آورنده می خواهیم بنیاده کنیم مشکل خواهد بود و در نتیجه با توجه به مجموع مطالبی که در مجلس شورای ملی بیان میشود من آرزو می کنم

۴- تقدیم تذکر به دولت راجع به تیراندازی در سخن حرم حضرت امام (رضاع) بوسیله آقای محمد شهرستانی.

رئیس- آقای شهرستانی فرمایشی دارید بفرمائید  
شهرستانی- جناب آقای رئیس، تذکرنامه ای است از طرف نمایندگان مردم مشهد، دیشب متأسفانه جریم بارگاه رضوی مورد تهدید و تهاجم قرار گرفته است.  
تیمسار از هارزی- (نخست وزیر)- موضوع بحث درباره برنامه دولت است چکار به اطلاعیه دارید؟!  
شهرستانی- بهر حال این تذکرنامه را بر حسب وظیفه نمایندگی جناب آقای رئیس تقدیم میکنم.

نخست وزیر- معذرت میخواهم جناب آقای رئیس من در یک موقع بحرانی آمده ام، این وزرائی که اینجا نشسته اند آیا کسی میتواند عیبی روی آنها بگذارد؟ مگر اینها مقصودند؟ مگر نمیدانید مملکت در چه وضعی است؟ من آرزو می کنم اگر مجلس نمی خواهد باین دولت رأی بدهد جلسه راترک کند.

دکتر ملک منصور آشفته باری - آقای نخست وزیر بفرمائید بنشینید، جناب رئیس بایشان تذکر بدهید که رعایت مقرر را بفرمایند.



(دراین موقع آقای دکتر دادفر و چند نفر از نمایندگان به جناب نخست وزیر در مورد تذکر دادن نمایندگان به دولت توضیحاتی دادند که رفع سوء تفاهم شد)

**ادامه بحث راجع به برنامه دولت تیمسار ارتشبد ازهاری رئیس** - آقای اخلاق پور بفرماید.

**غلامرضا اخلاق پور** - ای نام تو بهترین سرآغاز - بی نام تو نامه کی کنم باز

جناب آقای رئیس، خانم‌ها، آقایان

مطالب بسیار است سعی میکنم مواردی را که در درجه اول اهمیت قرارداد انتخاب و هر یک را بطور موجز و مختصر بیان دارم، مقدمتاً نگریزد کرایم مطلب است که متأسفانه در حال حاضر در برهه‌های از زمان و عصری اراعصار تاریخی زندگی میکنیم که زندگی اجتماعی و سیاسی ما باین باره‌ای از وقایع ناگوار درهم ریخته و مردم همه بلا تکلیف و سرگردان بوده و در این گیرودار مانند دشمن خونخوار در مقابل یکدیگر صف آرایی نموده و به کشت و کشتار و سوختن و تخریب اموال یکدیگر مشغولند هر چند قوه مجریه و یادستگاههای اجرائی وقت مینمودند که ماجراها و وقایع را از آگاهی و چشمان تیزبین مردم این مملکت مخفی بدارند ولی این استارها و پرده پوشی‌ها بلا اثر بود جناب مهندس شریف امامی نخست وزیر پیشین که بدولت آشتی معروف بود با وضاع آشفته و هرج و مرج ایران اشاره و در صدد چاره جویی برآمد که در این راه توفیقی نیافت و تیمسار ارتشبد

غلامرضا ازهاری نخست وزیر محترم هم در مقدمه برنامه دولت اظهار داشتند، روزی که بفرمان مبارک شاهانه مسئولیت اداره کشور باینجناب و همکارانم واگذار شد رشته امور چنان از هم گسیخته و هرج و مرج و طغیان به نحوی در سراسر کشور و تهران (بنظر اینجناب وقتی که گفته شد سراسر کشور تهران را هم شامل میشود و قید کلمه تهران بعد از سراسر کشور زائد است) جریان داشت که تمام مبین پرستان را دچار ماتم و اندوه و درماندگی نموده و اشک از چشمان آنها سرازیر بود، .... با توجه به بیانات صریح جناب مهندس شریف امامی و تیمسار ارتشبد ازهاری نخست وزیر محترم باید دید که علت باصلاح این هرج و مرج و اغتشاشات چه بوده است قبل از پاسخ دادن باین سؤال نظر همکاران ارجمند را بقسمتی از پیام تاریخی شاهنشاه خطاب بملت ایران معطوف میدارد، شاهنشاه فرموده اند آنچه را که شما برای پلست آوردنش قربانی داده اید تضمین می‌کنم که حکومت آینده بر اساس قانون اساسی، عدالت اجتماعی و اراده ملی و بدور

از استبداد و ظلم و فساد خواهد بود.... من نیز پیام انقلاب شما ملت ایران را شنیدم.... با توجه بصراحت فرمایشات شاهنشاه آریامهر قیلم و احترام ملت ایران را که در سراسر کشور متجلی بود و جداناً نمیتوان از مصادیق هرج و مرج و اغتشاشات تلقی نمود زیرا این قیام و اقدام ملت علیه زورگویان و فاسدین بود که مورد تایید شاهنشاه هم قرار گرفت بنابراین تیمسار ارتشبد ازهاری نخست وزیر محترم نمی‌بایست باین قیام و اقدام ملت ایران که در جهت رفع ظلم و ستم و قطع ایادی متجاوزین بحقوق مردم بوقوع پیوسته است جنبه هرج و مرج برای آن قائل شود ممکن است که در موقع قیام و اقدام ملت علیه زورگویی و فساد افراد فرصت طلبی هم برخلاف ایده و منویات طالبان حقیق و حقیقت اقساماتی نموده باشند حساب آنها از حساب ملتی که بحق علیه ظلم و ستم و اشخاص فاسد قیام و اقدام نموده اند جدا است بهتر خواهد بود که از نظر تأیید فرمایشات شاهنشاه آریامهر تیمسار ارتشبد ازهاری در این قسمت از گفتار خود تجدید نظر فرمایند، اما بقول اینجناب علت این قیام و اقدام ملت علیه فساد و ظلم و ستم و یا بقول تیمسار ارتشبد ازهاری نخست وزیر محترم، هرج و مرج‌ها و اغتشاشات را باید در خود دستگاههای قوه مجریه و سازمان‌هاییکه با حقوق مردم سروکار دارند جستجو نمود، بدون تردید ملت نجیب ایران از تبعیضات زننده و قائل شدن امتیازات استثنائی برای پاره‌ای از افراد و تجاوز به بیت‌المال و رفتار خشن و زننده بعضی از مأموران اجرائی و سایر مراجع مربوط به تنگ آمده و این عوامل موجب شده بود که عقده‌هایی در مردم بوجود آید و چون مسئولان امور با وجود تذکرات بی دریبی در صدد رفع ظلم و ستم برنیامدند و افراد این مملکت را بحساب نمی‌آوردند این عقده‌ها بیکباره ترکیدند و وضعی را بوجود آوردند که بصورت خشم و غضب ملت علیه ظلم و استبداد و ستم و فساد نمایان گردید و اگر این مردم تیزهوش و بصور و بردبار که کاسه صبر و حوصله آنها لیریز گردیده بود پانمیخواستند و داد و فریاد نمیزدند آیا امکان داشت که بعضی از متجاوزین بحقوق مردم و فاسدین دستگیر و زندانی شوند؟ در دوم مردادماه ۱۳۵۶ یعنی چند روز قبل از استعفا جناب آقای امیر عباس هویدا از نخست‌وزیری اینجناب بشرح منعکس در صورت مشروح مذاکرات شماره ۱۱۳ مجلس شورای ملی مطالبی بیان داشتم که مختصری از آنرا در اینجا بازگو میکنم و آن اینست: من نمیدانم ما ایرانی‌ها چرا عادت کرده‌ایم بیکدیگر دروغ بگوئیم

مگر چندبار میشود دروغ گفت و افراد و مخاطبین را اغفال نمود بالاخره روزی پرده‌ها بالا خواهد رفت و مچ دروغگو باز میشود و از طرفی بر اثر بی‌مبالاتی و سهل انگاری در خواب خرگوشی فرو رفته‌ایم و نمیدانیم که در اطراف ما چه میگردد: پیری و جوانی چو شب و روز برآمد باشب شد و روز آمد و بیدار نکشتیم، باید قبول کرد که دولت در بیشتر برنامه‌های تدوینی و پروژه‌های تنظیمی موفقیتی نداشته و روز بروز هم وضع مردم آشفته‌تر میگردد باید این حقیقت تلخ را پذیرفت که در بیشتر موارد عنان اختیار از دست دولت خارج شده و دیگر قادر نیست معایب را برطرف و گرانفروشی و فساد را که جامعه ما با آن مواجه شده ریشه کن سازد، و همچنین در یکی دیگر از نطق‌های خود بشرح منعکس در صورت مشروح مذاکرات شماره ۱۷۰ مجلس شورای ملی چنین گفته‌ام: مادام که دولت و مجلسین از تهیه و تصویب قوانین مخالف با قانون اساسی خود داری ننمایند این عدم رضایت‌ها که فعلاً هم برخلاف انتظار بعقده‌های درونی تبدیل شده‌ازین نخواهد رفت بیائید که تا دیر نشده این ناراضی‌ها را بوسیله اشخاص بصیر و خبره تشخیص و با انجام کار مراجعین و رفع بلا تکلیفی آنان ازین برود و نگذارید بعقده‌هایی شدید تبدیل سپس بی‌موقع به‌تر کند،

**بگفتار از نمایندگان** - کسانی که به مملکت خیانت می‌کنند باید اعدام شوند.

**اخلاق پور** - صد درصد با گفتار شما موافقم. بطوریکه ملاحظه فرمودید اینجناب نیز بمانند بعضی از همکاران ارجمند دردها و معایب را بموقع برشمرده و انتظار داشتم که قبل از وقوع حوادث اخیر برطرف گردد ولی بمصدق گوش اگر گوش تو وناله اگر ناله من: آنچه‌البته بجای نرسد فریاد است اینقدر به تذکرات مفید و ندهای خیر خواهانه توجه نکردند تا وضع را باینجا کشانیدند که دیدیم بر اثر قیام و اقدام ملت چه وقایعی رخ داد و چقدر در مسیر این گیرودار کشته شدند باز هم در تعقیب تذکرات قبلی خود صریحاً اعلام میدارم مادام که کلیه غارت گران و متجاوزان بحقوق ملت و بیت‌المال دستگیر و مجازات نگردند و عدالت اجتماعی هم براساس قانون اساسی و متمم آن بمفهوم واقعی اجرا نشود قول میدهم که وضع از این هم بدتر گردد، تا چند روز قبل در جرایم میخواندیم که یکی از خواسته‌های اعتصابیون انجلال مجلسین بود وعده‌ای هم در مصاحبه مطبوعاتی میگفتند که نمایندگان مجلسین برگزیده ملت نیستند بلکه منصوب از طرف دولت میباشند این امر برخود ما

نمایندگان هم مشتبه گردیده بود و فکر میکردیم شاید چنین باشد و ممکن است که ما برگزیده دولت باشیم ولی خودمان از آن آگاه نباشیم این پندار و وهم و خیال سرا بیاد گفته یکی از فلاسفه انداخت که میگفت مافکر میکنیم که وجود داریم حال آنکه ما وجود خارجی نداریم و این وهم و خیال است که ما را بقائل شدن وجود خارجی و امیدارد بهرحال ما نمایندگان که نمیتوانیم خود را گول بزنیم من در پشت همین تریبون وجداناً سؤال میکنم آیا ممکن است ازین ما کسی باشد که از طرف دولت تعیین و بنمایندگی ملت برگزیده شده باشد اگر چنین اشخاصی در جمع ما هستند شهامت داشته باشند و خود را معرفی کنند من خدا را شاهد بگیرم که در آبادان انتخابات صد درصد آزاد بود و مردم با طیب خاطر پهای صندوق‌های اخذ آرا می‌آمدند و رأی خود را به کسی که مایل بودند میدادند و من و دو نفر دیگر از همکاران ارجمند یعنی جهان غلامحسین دانشی و محمود شریفی با رأی مردم انتخاب شدیم و فکر میکنم سایر نمایندگان هم بهین طریق انتخاب شده باشند انتظار داشتم که نمایندگان محترم مجلس شورای ملی در این مورد بعنوان دفاع از حق در صدد پاسخگویی برآیند ولی هیچیک از همکاران عزیز حاضر نشد با استفاده از تریبون مجلس بیاسخگویی مبادرت ورزد اکنون با اجازه حضار محترم و برحسب وظیفه‌ایکه وجداناً برعهده دارم میخواهم در مقام دادن جواب برآیم: من برای اثبات مورد ادعای خود ناچار هستم که بگفتار و مصاحبه مطبوعاتی تنی چند از کسانی که در این باره اظهار نظر نموده‌اند اشاره کنم قبلاً لازم میدانم که بیک نکته اساسی و جالب توجه اشاره نماید. اینجناب بدون تردید برای تمام کسانی که دارای نظرات و افکار مختلفی در چهارچوب قانون اساسی هستند احترام خاصی قائل بوده و هستم و بهیچوجه در صدد آن نیستم که نسبت بفرق یا افرادی توهین و خدای ناخواسته شخصیت سیاسی و اجتماعی آنها را تخطئه و لکه دار سازم و با این قصد و نیت اگر در صدد پاسخگویی برآمده‌ام بطور قطع و یقین باید متوجه بود که این اظهارات بدور از هرگونه اغراض شخصی و امیال خصوصی است ابتداء از جناب دکتر کریم سنجابی هم شهری عزیز و استاد گرامی دانشگاه که متأسفانه فعلاً یشان و جناب آقای داریوش فروهر از طرف حکومت نظامی بازداشت گردیده‌اند شروع میکنم امیدوارم که معظم‌له و جناب آقای داریوش فروهر هرچه زودتر از زندان آزاد گردند.

یک نفر از نمایندگان - حرف های غیر ملی میهنی میزنی! اخلاق پور - من هرگز حرف های غیر ملی و میهنی نمی زنم. من اصولاً با برقراری حکومت نظامی و بازداشت هائی باستاناد ماده بصرف سوءظن مخالف هستم و در برنامه دولت جناب آقای مهندس شریف امامی هم به تفصیل در این باره بحث نموده ام (یک نفر از نمایندگان - اگر دولت نظامی نباشد این آب و نان را هم نخواهیم داشت) بهر حال مصاحبه مطبوعاتی جناب آقای دکتر کریم سنجابی رهبر جبهه ملی را با خبرنگار آلمان در روزنامه مورخ سه شنبه بیست و پنجم مهرماه کیهان و همچنین روزنامه های اطلاعات و آیندگان مطالعه نمودم. ایشان درباره مجلس و نمایندگان آن چنین اظهار نظر فرموده اند این مجلس رسمی و مردمی نیست افرادی که از طرف دولت بعنوان نماینده مردم منصوب شده اند ملت در انتخاب آنها نقشی نداشته است مسلماً یک مجلس ملی نخواهد بود ولی باید توجه داشت که این نمایندگان خود در شمار افراد مملکت هستند و اگر آزاد باشند ممکن است در میان شان افرادی پیدا شوند که از افکار و عقاید ملت ایران الهام بگیرند و همان چیزهائی را بگویند که مردم میخواهند. باین همه این باعث نمیشود که ما اینها را نماینده ملت و این مجلس را مجلس ملی ایران ندانیم: بطوریکه نمایندگان محترم و حضار گرامی ملاحظه و استماع فرمودید

الفاظ و جملات و گفتار بصورت ظاهر بسیار سلیس و جالب توجه است ولی اگر آنرا دقیقاً مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم حقیقت امر و نیت باطنی گوینده آن بخوبی آشکار میگردد و نظریه جناب آقای دکتر سنجابی استاد مسلم که من برای ایشان احترام خاصی قائل هستم... (همه و اعتراض نمایندگان).

چند نفر از نمایندگان - دکتر سنجابی «جناب» ندارد، او تو همین بمقدمات ملی کرده است.

عباس میرزائی - از این حرفها بپتان چه نتیجه ای میخواهید بگیرید؟

اخلاق پور - شما صبر نمیکنید که من مطالب منطقی خود را که بنفع شما و مجلس است بیان کنم.

بهارلو - مملکت آشوب است، این حرفها چیست؟

اخلاق پور - وقتی نوبت شما رسید بیاید صحبت کنید قدری تحمل داشته باشید. (در این موقع مجلس بسختی متشنج گردید)

رحیمی لاریجانی - به این دولت چه مربوط است؟

رئیس - متأسفانه تذکراتی که دو نفر از همکاران راجع به وقایعی در مشهد مقدس به دولت دادند باعث سوء تفاهم و ناراحتی جناب نخست وزیر شد با اجازه خانمها و آقایان این جلسه را ختم می کنیم جلسه آینده ساعت نه صبح فردا دستور ادامه بحث درباره برنامه دولت خواهد بود.

(جلسه ساعت هجده و چهل و پنج دقیقه پایان یافت)

رئیس مجلس شورای ملی - دکتر جواد سعید

## سؤال درباره حادثه روز سه شنبه ۳۰/۸/۵۷ در بندر گناوه - بوشهر

ریاست محترم مجلس شورای ملی

احتراماً، نظر به حوادث مکرری که مرتباً بصورت وسیع و همه جانبه در کلیه شهرستانهای مملکت بوقوع می پیوندد و سبب قتل و جرح افراد بیگناه میگردد، منجمله حادثه تأسف آوری که روز گذشته ۳۰/۸/۵۷ در بندر گناوه (که حوزه انتخابیه اینجانب میباشد) صورت گرفته خواهشمند است مقرر فرمائید جناب آقای وزیر کشور در اسرع وقت در مجلس شورای ملی حضور بهم رسانند و به پرسش های زیر پاسخ گویند:

- ۱- سبب دخالت مأموران انتظامی در اجتماع حسینیه گناوه و متفرق ساختن خشونت آمیز شرکت کنندگان در حسینیه مذکور در حالیکه بندر گناوه از جمله شهرهائی که در آن مقررات حکومت نظامی اعلام شده نیست چه بوده است؟
- ۲- تعداد کسانی که مجروح یا احیاناً مقتول گردیده اند چند نفر بوده و در ایجاد جریانات چه سهمی داشته اند؟
- ۳- برای شناسائی و معرفی عاملین و مجازات مسببین حوادث گناوه و نظائر مشابه دولت چه اقدامی انجام خواهد داد؟
- ۴- برای پیش گیری و جلوگیری از تکرار وقایع و حوادث تأسف آور مشابه در سطح مملکت چه تدابیری از سوی دولت اتخاذ شده است. با احترام - دکتر حسین طبیب - نماینده مجلس شورای ملی